

۵

سید اعجاز
فکر و فکر

نوشتہ

آر تار جیمی

جلد پنجم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرقہ ہادی شیعہ

جلد پنجم

بقلم: آرتا رحیمہ

انتشاریافتہ درسیات فرہنگی

کتاب سبز

<http://ketabesabz.com>

در این کتاب مے خوانید:

سخن مؤلف

فصل ششم:

بررسی اجمالی دوره تجدید حیات و تحولات شگرف در اصول فقه (دوره پنجم)

علل پیدایش دوره پنجم و دلایل فروپاشی نهضت اخباریان

بررسی شخصیت‌های اصلی دوره پنجم؛ آرا و اندیشه‌های اصولی آنها

فصل هفتم:

ادامه‌ی بررسی شخصیت‌های اصلی دوره پنجم؛ آرا و اندیشه‌های اصولی آنها

نگاهی به مهم‌ترین اندیشه‌های اصولی دوره پنجم

بررسی اجمالی اصول اهل سنت در دوره پنجم

شمارش پاره‌ای از مزایای مهم دوره پنجم

فصل هشتم:

نگاهی به شخصیت‌های اصلی در عصر حاضر

بررسی کاستی‌های اصول معاصر

تبیین ویژگی‌ها و مؤلفه‌های بایسته اصول معاصر

نگاهی به اصول اهل سنت

پی‌نوشت

منابع و مأخذ

سخن مؤلف

مطالعه ادیان و فرقه های مذهبی، برای هر کسی که در حیطه مسائل علوم انسانی به تحقیق و تفحص گام برداشته است از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار است؛ بطوری که از قرون اولیه اسلام، مورخین متعددی در این زمینه به بررسی و تحقیق پرداخته اند از جمله شهرستانی در کتاب «ملل و نحل» و بغدادی در کتاب «الفرق بین الفرق» و...

در میان ملل غیر مسلمان و اروپائی نیز اینگونه تحقیقات رواج داشته و امروزه گرایش به تحقیقات در مورد تاریخ و معارف اسلامی بیش از گذشته می نماید؛ بطوری که در دانشگاه های اروپائی کرسی و درسی جهت اسلام شناسی منظور شده است.

از جمله شرق شناسانی که در مورد شناخت اسلام و فرقه های مختلف آن، بوژه در ایران کار کرده و آثار قابل ملاحظه ای از خود به جای گذاشته اند می توان از توشی هیکو ایزتسو، هانری کربن، گلدز بهر و ماسینیون نام برد که کتابهای آنها بعنوان منابع مهمی در زمینه ایرانشناسی، اسلام شناسی و شناخت مذاهب و فرقه های اسلامی مورد استفاده قرار می گیرند. (شاقول، ۱۳۶۹، ص ۱) و اکثر آنها به فارسی ترجمه شده اند و چون این منابع غربی و شرقی گاهی دارای خطاها و اشتباهات بنیادین و اصولی هستند لذا شناخت عمیق مسائل مربوط به فرق و تاریخ ادیان لازم و ضروری به نظر می رسد.

به عنوان مثال بعضی از اسلام شناسان غربی و شرقی حتی نتوانسته اند فرق اصول دین و فروع دین را بشناسند لذا مسئولیت اسلام شناسان و متفکرین مسلمان که به متون اصیل اسلام دسترسی و شناخت عمیق تری دارند، سنگین تر می شود.

امروزه مطالعه، تحقیق و تحصیل در موضوع ادیان و مذاهب، در دانشگاه های دنیا و حتی کشور ایران به عنوان یک رشته تحصیلی مستقل و در مقاطع تحصیلی مختلف، جایگاه خود را پیدا کرده و این مطلب، اهمیت خاص اینگونه مطالعات را نشان می دهد.

فصل ششم

*** جهت درک بهتر و کامل از مباحث این کتاب، مطالعه جلد چهارم
مؤکداً توصیه می شود.**

دوره پنجم

**دوره تجدید حیات و تحولات شگرف در اصول فقه (۱)
(از وحید بهبهانی [۱۲۰۶م] تا شیخ انصاری [۱۲۸۱م])**

مهم ترین مباحث فصل:

- ✓ بررسی اجمالی دوره پنجم
- ✓ علل پیدایش دوره و دلایل فروپاشی نهضت اخباریان
- ✓ بررسی شخصیت های اصلی دوره پنجم و آرا و اندیشه های اصولی آنها

نگاه اجمالی به کل دوره

دوره پنجم از ادوار اصول فقه از آن زمان آغاز می شود که علامه‌ی محقق آقا محمد باقر وحید بهبهانی با درایت و فطانت اجتماعی، و عظمت و قوت علمی به مبارزه و چالش جدی با اخباریان می پردازد و پس از بحث‌ها و مذاکرات بسیار با سران اخباری گری؛ چون محدث بحرانی و نیز تألیف کتاب‌ها و رساله‌های تحقیقی در تقد مبانی اخباریان و تثبیت و تقویت بنیادهای اصولیان، و خلاصه پس از رنج‌های بی شمار موفق می شود ریشه‌ی اخباری گری را بخشکاند و روح اجتهاد را در جسم نیمه جان و مدهوش حوزه‌های اصولی بدمد.

با ضعیف شدن اخباریان و بر چیده شدن بساط آنها از حوزه‌های علمیه از یک سو، و تحقیقات علمی ارزنده و گرانسنگ محقق بهبهانی در باب اجتهاد و مباحث اصول فقه از سوی دیگر، و سرانجام تربیت شاگردان فاضل و گرانمایه در مکتب اصولی وحید بهبهانی از سوی سوم، زمینه‌ی بروز و ظهور دوباره‌ی مباحث اصول فقه در حوزه‌های شیعه پدید آمد و به تکامل شگرف و تحولات اساسی در اصول منتهی شد. از آنجا که مرکز مبارزه‌ی علمی محقق بهبهانی با اخباریان در کربلا بود و شاگردان فاضل و اصولی بسیاری در آنجا تربیت شدند، این تحوّل و تکامل دوباره در اصول فقه، ابتدا در حوزه کربلا خود را نشان داد. پس از مرحوم وحید بهبهانی شاگردان او پراکنده شده و در حوزه‌های مختلف ساکن شدند و به این ترتیب تفکر باز تولید شده‌ی اصول فقه در حوزه‌های دیگر نیز رواج یافت. نجف که بلافاصله این تحوّل را پذیرفت با حضور عالمی چون شیخ جعفر کاشف الغطاء تقویت شد. در کاظمین نیز تفکر اصولی با ورود محقق بزرگ سید محسن اعرجی، شاگرد دیگر وحید رواج یافت. و نهایتاً در ایران هم اندیشه‌ی اصولی با تلاش‌ها و زحمات عالمانی چون میرزای قمی شاگرد مبرز وحید بهبهانی و آقا محمد علی فرزندی و شاگرد دیگر محقق بهبهانی شیوع دوباره پیدا کرد و تقویت شد.

اشاره به این نکته ضروری است که در پیدایش این دوره برخی از محققان دوره پیشین؛ مانند محقق بزرگ آقا حسین خوانساری، آقا جمال خوانساری و سید صدرالدین قمی صاحب شرح وافیه که استاد محقق بهبهانی نیز بود، سهم مهمی داشتند؛ زیرا اینان اولاً، از فراموشی کامل روند اجتهاد و مباحث اصول فقه جلوگیری کردند و ثانیاً، با زمینه سازی‌های لازم، شرایط را برای محقق بهبهانی فراهم کردند تا وی بتواند چنین مبارزه‌ی عظیمی را آغاز کند و در آن پیروز شود.

در هر حال این دوره به کمال و رشد بی سابقه اصول فقه انجامید، کتاب‌های اصولی بسیار قوی و بی مانندی نگاشته شد و متناسب با آن، فقه شیعه گسترش شگرفی یافت. این دوره را که از اواخر قرن دوازدهم آغاز شد، می توان تا زمان شیخ انصاری که به دو واسطه به وحید بهبهانی متصل می شود؛ یعنی اواخر قرن سیزدهم، دانست. در ادامه‌ی این درس و درس بعد با تفصیل به علل پیدایش این دوره، محققان آن و اندیشه‌های اصولی رایج در این دوره می پردازیم.

علل پیدایش دوره و تحلیل آن

بی شک در بررسی علل پیدایش این دوره، تحقیق از علل فروپاشی و شکست مکتب اخباری گری ضروری است. تبیین و تحلیل عوامل متلاشی شدن تفکر اخباریان نشان خواهد داد که چگونه و به چه دلیل دوره پنجم از ادوار اصول فقه پدیدار گشت. پاره‌ای از علل شکست اخباریان را می توان به شرح زیر بیان کرد:

۱- افراط‌های بیش از حد اخباریان:

اخباریان پس از نفوذ در حوزه‌های علوم دینی و بسط تفکرشان در میان محققان، طلاب و مردم عادی، حملات خویش را به مجتهدان و روش‌های اجتهادی بیش از پیش کردند تا حدی که تبدیل به غرض ورزی‌های شخصی و کینه‌توزی‌های جاه‌طلبانه شد و تا آنجا پیش رفتند که بسیاری از علمای متمایل به اخباری‌گری را نیز دلزده کردند؛ کلام محدث بحرانی در نقد شیوه بحث مولی امین استرآبادی و عده‌ای دیگر از اخباریان از این ناراحتی خبری می‌دهد. (۱)

باید پذیرفت که هر افراطی، تقریبطی را نیز به همراه دارد و بالعکس. همان‌طور که شاید افراط اصولیان در استفاده از روش‌های عقلی غیر قطعی و طرق ظنی سبب ایجاد نحله‌ی اخباری‌گری شد، همان‌گونه نیز افراط اخباریان در استفاده‌های سست و بی پایه و اساس از ظواهر روایات و جمود بر آن و حملات مغرضانه و گاه مضحک به روش اجتهادی و مجتهدان، موجب شکست آنان و باز شکوفایی روش مجتهدان در کشف احکام شرعی شد.

۲- توجه مجتهدان به ضرورت بازسازی همه جانبه‌ی مبانی اجتهاد برای جلوگیری از انحراف بیشتر: این احساس ضرورت آنجا بیشتر شد که محققان اصولی پس از مشاهده‌ی جوامع حدیثی جدید که به دست اخباریان تألیف شد، متوجه شدند که تنقیح هر چه بیشتر مبانی اجتهاد ضرورت دارد. اینان با الهام از روایات کلی و قاعده ماندنی که به پاره‌ای از مباحث کلی مطرح در اصول فقه مربوط می‌شد؛ نظیر اخبار مربوط به استصحاب یا روایات مربوط به خبر واحد ثقه و روایات برائت، احتیاط شرعی و ...، به ضرورت بازنگری و ژرف کاوی دوباره در این گونه مباحث اصولی و خارج کردن آنها از یک بحث عقلی صرف پی بردند و همین امر انگیزه‌ی محققان را برای زنده کردن بحث‌های اصولی بیشتر کرد و زمینه‌ی تضعیف اخباری‌گری را فراهم ساخت.

شاید بتوان در کنار عامل روایات، ورود قوی‌تر و عمیق‌تر پاره‌ای از مبانی فلسفی به اصول فقه را بر شمرد. این کار که به دست محقق خوانساری انجام پذیرفت با واسطه به محقق بهبهانی و دیدگاه‌های اصولی او منتقل شد. و به این ترتیب جلوی پاره‌ای از مغالطات اخباریان در نقد مبانی عقلی و فلسفی موجود در اصول گرفته شد. (۲)

۳- تلاش‌ها و مبارزات مرحوم وحید بهبهانی در نقد اخباریان:

تلاش‌های مرحوم بهبهانی را در چند راستا می‌توان بر شمرد:

الف - تأسیس حوزه‌ی کربلا: محقق بهبهانی پس از افراط‌های بیش از حد اخباریان، با این که در ابتدا به سران مکتب اخباری‌گری؛ نظیر مولی محمد استرآبادی، مولی امین استرآبادی و فیض کاشانی به احترام می‌نگریست و به پاره‌ای از کتاب‌های آنان حاشیه نوشته بود، (۳) احساس خطر بسیار کرد و از بهبهان به نجف اشرف و از آنجا به کربلا مشرف شد.

محقق بهبهانی وضع اسفبار حوزه کربلا را که در دست اخباریان بود در کتاب «الاجتهاد و الاخبار» توصیف می‌کند. در جایی از این کتاب می‌گوید:

«از جمله عجایبی که من مبتلا به آن هستم و آن را از صالحان شهر و علمایی که مدعی آشنایی با فقه و حدیث هستند مشاهده می‌کنم؛ آنهایی که برخی‌شان ادعای رسیدن به بالاترین حد از اجتهاد را دارند، این است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم تا موجب عبرت و تنبیه گردد»، (۴) سپس ایشان مواردی از نزاع خویش با اخباریان را متذکر می‌شود و می‌گوید:

«بدان که اخباریان حجیت غیر از کتاب و سنت را راسا منکرند... اگر به آنها ایراد شود که بدیهی دین و اجماع کاشف از قول

معصوم چرا حجت نباشد؟ می گویند کدام حدیث دلالت بر حجیت آن دارد؟!...» (۵) محقق بهبهانی در جاهای مختلفی بر جمود و تصلب غیر معقول اخباریان نسبت به روایات می تازد و آن را سخت می گوید. وی در جایی می گوید:

«من فکر می کنم که برخی از اینان مثلاً اگر در حدیثی دیدند که مریضی را باید با آب سرد یا نظیر آن مداوا کرد، حکم می کنند که هر مریضی را باید با آن مداوا نمود». (۶) محقق بهبهانی بر فکر خشک و عوامانه‌ی اخباریان افراطی خرده می گیرد و در جاهای متعددی آن را تشبیه به تفکر پیرزنان می کند. (۷)

در هر حال، محقق بهبهانی در شرایطی که تفکر اخباری مجالی به تفکر اجتهادی نمی داد، وارد حوزه‌ی کربلا شد. وی در کربلا دست به تأسیس حوزه‌ای جدید زد و به تعلیم مبانی اصول فقه و اجتهاد پرداخت. مدت زمانی نگذشت که شاگردان بسیاری پیدا کرد. در آن زمان، حوزه‌ی کربلا در دست اخباریان بود و شیخ یوسف بحرانی، محدث و فقیه ارجمند شیعه رئیس آنان به شمار می رفت. درس محدث بحرانی بسیار شلوغ بود، اما با تأسیس حوزه‌ی جدید و شیوه‌ی نوین اجتهاد از سوی محقق بهبهانی، شمار زیادی از این شاگردان به درس وحید رفتند. افزون بر این، بین خود محقق بهبهانی و محدث بحرانی نیز بحث‌های علمی و مناظرات جدی صورت گرفت و این امر زمینه را برای قضاوت آزاد و بدون تعصب و غوغا سالاری فراهم ساخت.

ب - تربیت شاگردان مبرز: محقق بهبهانی پس از سال‌ها تلاش علمی و تعلیم مباحث اصولی و فقه اجتهادی توانست شاگردان متبحر و زبردستی؛ چون کاشف‌الغطا، سید علی طباطبایی، میرزای قمی و دیگران تربیت کند که اینان بعد از مرحوم وحید پرچمدار حرکت و مبارزه‌ی علمی استاد در حوزه‌های مختلف شدند و مباحث اجتهادی را به شیوه‌ای نوتر و عالمانه‌تر به جامعه‌ی علمی عرضه کردند.

ج) تألیف کتاب‌های گرانسنگ اصولی: یکی از کارهایی که محقق بهبهانی در رواج دوباره روش اجتهادی انجام داد، تألیف کتاب‌های قوی و عمیقی بود که مشحون از بحث‌های دقیق و کاوش‌های بسیار عالی در اصول فقه بود؛ به عنوان نمونه می توان به رساله‌ی اجتهاد و اخبار، بحث اصول عملیه و «الفوائد الحائریه» او اشاره کرد.

د) ایجاد ارتباط بین حوزه‌ی کربلا و حوزه‌ی نجف: با تأسیس حوزه‌ی کربلا، بین حوزه‌ی تازه تأسیس کربلا و حوزه‌ی سابقه دار نجف که در آن زمان دیگر رمقی نداشت، روابط علمی برقرار شد و همین امر سبب زنده شدن و جان گرفتن دوباره‌ی حوزه‌ی نجف شد. شاگردان وحید بهبهانی در گسترش این ارتباط تلاش بسیاری کردند. (۸)

این گونه بود که روش اخباریان مورد نقد و تهاجم جدی قرار گرفت و آرام آرام رو به ضعف نهاد و پس از مدتی با رحلت محقق و محدث بحرانی به کلی به حاشیه رانده شد و از اذهان محو گشت. به این ترتیب، روش اصولیان دوباره احیا گشت و نیاز به اجتهاد در کشف احکام شرعی مورد توجه قرار گرفت و سرانجام به کمال و تحوّل چشمگیری در اصول فقه منتهی شد.

شخصیت‌های اصلی دوره (۱)

۱. آقا محمد باقر وحید بهبهانی (۱۱۱۸ - ۱۲۰۵ هـ)

علامه آقا محمد باقر بن محمد اکمل، مشهور به وحید بهبهانی در سال ۱۱۱۸ در اصفهان متولد شد. پدر وی محمد اکمل از علمای آن زمان بود که نسبش به شیخ مفید می رسید. و مادر وی دختر عالم بزرگ آقا نورالدین بن مولی محمد صالح مازندرانی است. از این

رووی از جهت مادر با مولی صالح مازندرانی و علامه محمدتقی مجلسی نسبت پیدا می کند.

آقا محمد باقر تحصیلش را در ابتدا نزد پدرش آغاز می کند و پس از مدتی عازم نجف اشرف می شود و نزد استادان بزرگ آنجا تحصیل می کند. آنگاه با رسیدن به حد بالای اجتهاد به شهر بهبهان می رود و حدود سی سال در آنجا اقامت می کند و در نهایت به کربلا هجرت کرده و تا آخر عمر در آنجا می ماند. وی به سال ۱۲۰۵ هجری در کربلا در گذشت و در حرم شریف حسینی مدفون گشت. (۹)

صاحبان ترجمه، همگی از محقق وحید بهبهانی به بزرگی و عظمت یاد کرده اند:

سید محمد مهدی بحر العلوم از او به «شیخ عالم، عامل، علامه و استاد قوی پنجه‌ی فاضل، محقق نحیر، فقیه بی مانند و...» (۱۰) تعبیر می کند.

محدث نوری او را «استاد اکبر و مروج دین در ابتدای قرن سیزدهم...» (۱۱) می خواند. عمر رضا کحّاله در معجم المؤلفین از او به «فقیه، اصولی و متکلم» یاد می کند. (۱۲) و زرکلی در الأعلام او را «فاضل امامی» (۱۳) معرفی می نماید.

آقا محمد باقر بهبهانی نزد استادان بزرگی درس خواند (۱۴) که نام تعدادی از آنها به شرح زیر است:

- محمد اکمل بن محمد صالح که پدر او بود و محقق بهبهانی مبادی علوم عربی و علوم عقلی و نقلی را نزد او خواند.

- سید محمد طباطبایی بروجردی، که محقق بهبهانی نزد او فلسفه خواند.

- سید صدرالدین رضوی قمی، شارح الوافیة فاضل تونی، این فرد استاد محقق بهبهانی در فقه و اصول بود.

از معاصران محقق بهبهانی می توان به: شیخ یوسف بحرانی، آقا محمد باقر هزار جریبی مازندرانی (م ۱۲۰۵)، آقا سید حسین

قزوینی (م ۱۲۱۸)، شیخ عبدالنبی قزوینی (م ۱۲۰۸)، میر عبدالباقی خاتون آبادی اصفهانی اشاره کرد. (۱۵)

وحید بهبهانی شاگردان بسیاری تربیت کرده است، (۱۶) تعدادی از مهم ترین آنها عبارتند از:

- سید محمد مهدی بحر العلوم، معروف به علامه بحر العلوم.

- مولی مهدی نراقی (م ۱۲۰۹) مؤلف جامع السعادات در اخلاق.

- شیخ ابوعلی حائری، صاحب منتهی المقال در علم رجال.

- سید علی طباطبایی، صاحب ریاض.

- شیخ جعفر کاشف الغطاء.

- میرزا ابوالقاسم گیلانی (قمی)، صاحب قوانین الاصول.

- سید محسن اعرجی کاظمی.

- میرزا محمد هادی شهرستانی (م ۱۲۱۶).

- سید میرزا یوسف تبریزی (م ۱۲۴۲).

- مولی احمد نراقی، مؤلف مستند الشیعة در فقه.

- سید جواد عاملی، صاحب مفتاح الکرامة.

- شیخ اسد الله تستری دزفولی کاظمی، مصنف مقابس الانوار.

- شیخ محمد تقی اصفهانی، صاحب هدایه المسترشدين.

تألیفات محقق بهبهانی بسیار و در رشته‌های مختلف است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- تعلیقه بر منهج المقال (رجال کبیر) میرزا محمد استرآبادی.

- حاشیه بر تهذیب الاحکام شیخ طوسی.

- حاشیه بر الوافی فیض کاشانی.

- امامت، بحثی مبسوط در کلام.

- رساله‌ای در جبر و اختیار.

- اثبات تحسین و تقبیح عقلی در کلام.

- رسائل متعدّد فقهی؛ نظیر رساله‌ای در صلوات و طهارت، رساله‌ای در کرم و مقدار آن، رساله‌ای در نکاح، رساله‌ای در معاملات

و...

- حاشیه بر مسالک الافهام شهید ثانی در فقه.

- حاشیه بر الذخیره سبزواری در فقه.

- شرح «مفاتیح فیض کاشانی» در هشت مجلد. شیخ ابو علی آن را کتاب بسیار نیکویی توصیف می‌کند و می‌گوید در حدّ کتاب

مدارک بلکه بالاتر از آن است. (۱۷)

- حواشی بر معالم الدین.

- الاجتهاد و الاخبار.

- رسائل متعدّد اصولی؛ نظیر رساله‌ای در حجیت اجماع، رساله‌ای در حجیت استصحاب، رساله‌ای در ادله‌ی اربعه، رساله‌ای در

حجیت ظواهر کتاب، رساله‌ای در ردّ شبهات اخباریان و...

- الفوائد الحائریه در اصول فقه.

- حاشیه بر حاشیه‌ی میرزاجان بر مختصر عضدی.

- حاشیه بر حاشیه‌ی میرزاجان بر مختصر حاجبی.

بررسی آثار اصولی محقق بهبهانی و بیان پاره‌ای از اندیشه‌های اصولی وی

الف: آثار اصولی

۱. حواشی بر معالم الدین: هم اینک چندین حاشیه از مرحوم وحید بر معالم الدین

موجود است. محقق ارجمند محمد حسین کرهرودی نقل کرده است که محقق بهبهانی بیست بار معالم را تدریس کرده و هر بار

حاشیه‌ای جدید بر آن نگاشته است. وی نوزده حاشیه او را در شهر بروجرد دیده است. (۱۸)

۲. حاشیه بر حاشیه‌ی میرزاجان بر مختصر عضدی. (۱۹)

۳. حاشیه بر حاشیه‌ی میرزاجان بر مختصر الاصول حاجبی. (۲۰)

۴. حاشیه بر قوانین الاصول، (۲۱) تألیف میرزای قمی. میرزای قمی از شاگردان وحید بهبهانی است و کتابی مفصل و عمیق به نام قوانین الاصول دارد که در ادامه به آن اشاره خواهیم کرد.

۵. حاشیه بر دیباجه‌ی کتاب مفاتیح الاسلام فیض کاشانی که در اثبات مبانی اخباریان است. محقق بهبهانی حاشیه‌ای تقدی برای این مقدمات می‌نگارد.

۶. رسائل متعدد اصولی:

- رساله‌ای در بطلان قیاس.
- رساله‌ای در اجتهاد و اخبار.
- رساله‌ای در اجتماع امر و نهی.
- رساله‌ای در اخبار آحاد.
- رساله‌ای در اصالة البرائة.
- رساله‌ای در استصحاب.
- رساله‌ای در جمع بین اخبار.
- رساله‌ای در اجماع (۲۲).
- رساله‌ای در آیه‌ی «نفر».
- رساله‌ای در اثبات حسن و قبح عقلی.
- رساله‌ای در اجماع ضروری و نظری و حجیت شهرت.
- رساله‌ای در حجیت ادله‌ی اربعه.
- رساله‌ای در حجیت شهرت.
- رساله‌ای در حجیت ظن.
- رساله‌ای در حجیت مفهوم اولویت.
- رساله‌ای در حقیقت شرعی.
- رساله‌ای در حجیت ظواهر کتاب.
- رساله‌ای در حکم شرعی و تحدید آن.
- رساله‌ای در خطاب مشافهی.
- رساله‌ای در صحیح و اعم.
- رساله‌ای در عدم توقیفیت موضوعات.
- رساله‌ای در باب توقیفیت احکام شرعی.
- رساله‌ای در نسخ.
- رساله‌ای در وجوب نفسی و غیره در طهارت.

- رساله‌ای در عدم واسط بین مجتهد و مقلد.

- رساله‌ای در ردّ شبهات اخباریان.

۷. الفوائد الأصولیة، که شامل بخشی از مباحث اصولی در ضمن چندین فایده است.

۸. الفوائد الحائریة العتیقة، که شامل ۳۶ فایده و یک خاتمه در مسایل مختلف اصول است.

۹. الفوائد الحائریة الجدیة، که شامل ۳۵ فایده‌ی دیگر در مباحث اصولی است که غالباً با مباحث کتاب قبلی تفاوت دارد. هر دو

بخش الفوائد الحائریة اخیراً با تحقیق و نشر مجمع فکر اسلامی در قم چاپ شده است. (۲۳)

حجم کار اصولی محقق بهبهانی و طرح مسایل مختلف اصول به صورت رساله‌های مستقل نشان از جدیت این عالم ارجمند در مبارزه‌ی علمی با اخباریان و رواج اندیشه‌ی اجتهاد دارد. همان طور که از نام بسیاری از این رساله‌ها و نیز مطالعه‌ی اجمالی رساله‌های دیگر او به دست می‌آید، بخش اصلی و مهم بحث‌های اصولی وی در مقابله با اخباریان و نقد و ابطال مبانی آنان می‌باشد. محقق بهبهانی در بخش دیگر کارهای اصولی اش به تبیین، تشریح و اثبات هر چه دقیق‌تر و مستدل‌تر مبانی اصولیان می‌پردازد و به خوبی از عهده‌ی این کار بر می‌آید. از این رو، مطالعه‌ی دقیق رساله‌های اصولی این محقق گرانقدر بسیار مفید و قابل استفاده برای محققان اصولی است. و دقیقاً به همین دلیل است که دیدگاه‌ها و مباحث اصولی طرح شده از سوی این محقق بزرگ تا سال‌ها بعد و حتی هم اینک مورد توجه اصولیان قرار گرفته است.

ب: اندیشه‌های اصولی محقق بهبهانی

محقق بهبهانی چند کار اساسی در اصول انجام داده است:

اولاً، اصول فقه را از حالت خشک خود بیرون ساخته، به یک معنا عصری کرده است. بحث‌های اصولی ایشان ناظر به شبهات و مسایلی که در آن روزها در ارتباط با اصول فقه مطرح می‌شد، بود. از این رو، وی در نقد شبهات اخباریان تلاش کاملی انجام داده است.

ثانیاً، پاره‌ای از مباحث اصولی را تنقیح و تبیین بیشتر کرده و از زاویه‌های جدید به آنها نگرسته است؛ نظیر بحث اجتهاد و تقلید، استصحاب و ...

ثالثاً، محقق بهبهانی چندین بحث جدید وارد اصول فقه کرده و تعریف پاره‌ای از اصطلاحات اصولی را تغییر داده است. در این جا به چند دیدگاه اصولی محقق بهبهانی اشاره می‌کنیم:

۱. یکی از ابتکارات محقق بهبهانی این است که وی برای نخستین بار ادله را در اصول به دو قسم «ادله‌ی اجتهادی» و «ادله‌ی فقهاتی» تقسیم کرد (۲۴)، که دومی در طول اولی است؛ یعنی هر گاه فقیه در استنباط حکم شرعی به ادله‌ی جتهادی دسترسی نداشت، نوبت به ادله‌ی فقهاتی می‌رسد و می‌تواند با استفاده از آنها موقف عملی خود را در ارتباط با آن واقعه مشخص کند. تفصیل بحث‌های مربوط به این تقسیم و تفاوت‌های آن بعدها توسط شاگردان وحید و بیش از همه توسط شیخ انصاری، شاگرد با واسطه‌ی او انجام پذیرفته است.

۲. محقق بهبهانی در ادله‌ی فقهاتی یا اصول عملیه که موضوعش شک در حکم شرعی است، بحث‌های مفصّلی دارد که تا پیش از او

سابقه نداشته است. وی شک مکلف را از جهت متعلق به دو قسم تقسیم می کند: شک در تکلیف و شک در مکلف به. (۲۵) و از هر یک از اینها در دو زمینه عقل و شرع بحث می کند. از دیدگاه وی در شک در تکلیف، چه در موضوعات و چه در احکام، هم عقل حکم به برائت می کند و هم شرع، مستند عقل در این حکم «قیح بودن عقاب بلا بیان» است و دلایل شرعی برائت نیز آیات و روایات بسیاری است که بر آن دلالت دارند. (۲۶) اما مرحوم بهبهانی در شک در مکلف به، معتقد به احتیاط عقلی و شرعی است. مستند حکم عقل به احتیاط، قاعده‌ی «اشتغال یقینی اقتضای فراغ یقینی دارد» می باشد و دلایل شرعی احتیاط نیز روایاتی است که به توقف در شبهات حکم می کنند. (۲۷)

نگاه به اصول عملیه عقلی و شرعی از این زاویه و با این نظم مشخص نخستین بار از سوی محقق بهبهانی صورت گرفته است. البته فاضل تونی نیز به بحث برائت عقلی و شرعی پرداخته بود، اما انصافاً وی چنین تقسیم و تفصیلی در این بحث نداده بود. محققان دوره‌های پیشتر نیز چنین بحثی در اصول عملیه نداشتند. آنان غالباً به بحث «حظر و اباحه» و حکم عقل نسبت به انتفاع از اعیان غیر معلوم الحکم می پرداختند، که در درس‌های گذشته به آن اشاره کردیم. اما آن بحث متفاوت از این بحث جدید محقق بهبهانی بود، همچنین تبیین آنان از «برائت اصلیه» با آن چه محقق بهبهانی طرح کرده است تفاوت بسیاری داشت. نکته دیگری که شایسته است اضافه شود این که، به احتمال قوی محقق بهبهانی اولین فردی باشد که به قاعده‌ی «قیح عقاب بلا بیان» در اثبات برائت عقلی تمسک کرده است. پیش از این ظاهراً از قاعده‌های «تکلیف بما لا یطاق» و «استصحاب حال عقل» در اثبات برائت عقلی استفاده می کردند. (۲۸)

۳. محقق بهبهانی در بحث علم اجمالی به اطراف علم اجمالی توجه کرده و اطراف آن را به محصور و غیر محصور تقسیم کرده است. آنگاه معتقد شد که علم اجمالی در صورتی که دارای اطراف محصوره باشد منجز است، اما علم اجمالی در اطراف غیر محصوره منجز نیست. (۲۹)

۴. از دیدگاه محقق بهبهانی مفاهیم شرط، حصر، غایت و عدد حجت‌اند؛ زیرا هم در لغت و هم در عرف مفهوم آنها مورد پذیرش است. اما مفهوم وصف و لقب حجت نیستند. (۳۰)

۵. محقق بهبهانی در بحث استصحاب تقسیم جدیدی دارد، وی می گوید استصحاب یا «استصحاب متعلق حکم شرعی» است و یا «استصحاب نفس حکم شرعی» است، این تفتن تا پیش از مرحوم وحید نبوده است. (۳۱)

۶. در بحث اجتهاد و تقلید، مرحوم بهبهانی تلاش می کند تا لزوم اجتهاد و لزوم تقلید از مجتهد را در صورت عدم اجتهاد ثابت کند. وی در این بحث مفصل ناظر به شبهات اخباریان در این باب است و لذا بسیار دقیق و با توجه به جزئیات به این بحث می پردازد. البته به یک معنا نیز بحث‌های او در مورد اجتهاد تکمیل مباحثی است که فاضل تونی سابق بر او مطرح کرده بود. (۳۲)

۲. علامه بحر العلوم (۱۱۵۵ - ۱۲۱۲ هـ)

علامه‌ی آفاق سید محمد مهدی مشهور به بحر العلوم فرزند عالم ارجمند آقا سید مرتضی بروجردی طباطبایی در شوال ۱۱۵۵ هجری در نجف اشرف متولد شد. خاندان بحر العلوم همه از بزرگان و سادات جلیل القدر بودند.

علامه بحر العلوم جامع فنون بود. همه‌ی استادان، معاصران و شاگردان وی، از او تمجید و تعریف بسیار کردند. مرحوم وحید

بهبهانی در اجازه نامه ای که برایش نگاشت از او به «فرزند بسیار عزیز، دارای فطانت بالا، محقق و مدقق، عالم زکی و فاضل هوشمند، سید سند و...» (۳۳) نام می برد.

محدث بحرانی، استاد دیگرش نیز او را صاحب فضل و تقوا و پارسایی معرفی می کند.

شیخ ابوعلی، معاصر و همدرس او در درس محقق بهبهانی، در مدح و توصیف او کلمات بسیار زیبا و بلندی دارد. (۳۴)

میرزا محمد اخباری او را «فقیه، مدقق، موثق، باورع و نادره عصر» می شمارد که ریاست امامیه در آخر عمرش به وی رسید و علمای طایفه در فقاہت و عدالتش اتفاق دارند. (۳۵)

صاحب مقابس الانوار نیز می گوید: علامه بحر العلوم فقیه، متکلم، فیلسوف، عارف و مفسر بود. (۳۶)

مهم ترین استادان بحر العلوم عبارتند از: (۳۷)

- محقق بهبهانی.

- محدث بحرانی.

- میر عبدالباقی اصفهانی خاتون آبادی، معاصر محقق بهبهانی و از نوادگان علامه مجلسی است. وی از مشایخ بحر العلوم بود.

- آقا سید حسین قزوینی، از فقهای بزرگ و معاصر محقق بهبهانی که از مشایخ روایت بحر العلوم بود.

پاره ای از مهم ترین شاگردان بحر العلوم عبارتند از: (۳۸)

- سید محمد جواد عاملی، صاحب مفتاح الکرامة در فقه.

- شیخ احمد نراقی، صاحب مستند الشیعة.

- شیخ محمد ابراهیم کلباسی اصفهانی، صاحب اشارات الاصول.

- شیخ محمد تقی اصفهانی، صاحب حاشیه ی بزرگ بر معالم الدین.

- سید محمد مجاهد، صاحب مفاتیح الاصول و مناهل الاصول.

تالیفات علامه ی بحر العلوم بسیار است (۳۹)، تعدادی از آنها به شرح زیرند:

- «الدرة النجفیة» در فقه که به صورت منظوم است و تا «نماز طواف» در آن به نظم در آمده است.

- المصابیح در فقه که مشتمل بر عبادات و معاملات است.

- الفوائد الرجالیة، معروف به رجال بحر العلوم، که هم اینک در چهار جلد از سوی منشورات مکتبه الصادق در تهران چاپ شده است.

- رساله ای در مناظره ی سید با یهودیان.

- شرح پاره ای از احادیث کتاب تهذیب شیخ طوسی.

- «الدرة البهیة» که پاره ای از مسایل اصول فقه را در آن به نظم در آورده است.

- الفوائد الاصولیة که شامل ۴۵ فایده است.

- شرح باب حقیقت و مجاز کتاب وافیه فاضل تونی.

- دیوان شعر در مدح و رثای اهل بیت علیهم السلام.

آثار اصولی سیّد بحر العلوم

علامه‌ی بحر العلوم رساله‌های اصولی مختلفی نگاشته است. وی کوشیده است تا همچون استاد خویش، محقق بهبهانی، از مسایل اصولی شرح و تبیین دقیق‌تری ارایه کند و شبهات اخباریان را پاسخ گوید. به برخی از کتاب‌های اصولی او اشاره می‌کنیم:

۱. الدرّة البهیّة: این کتاب منظومه‌ای است در اصول فقه که به اختصار غالب مباحث اصولی را به نظم در آورده است.

فهرست مطالب آن به شرح زیر است:

اصول و منابع اجتهاد، وضع و علائم آن، حقیقت و مجاز، اشتراک، حقیقت شرعی، مشتق، اوامر و نواهی، عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین، اجماع، اخبار، قیاس، اصل و استصحاب، اجتهاد و تقلید، تعادل و تراجیح. این کتاب بسیار مختصر است و همراه با «الدرّة النجفیّة» که منظومه‌ای ناتمام در فقه است در سال ۱۳۰۴ به صورت طبع سنگی چاپ شده است.

۲. فوائد بحر العلوم: این کتاب بعد از فوت علامه‌ی بحر العلوم توسط پسرش جمع آوری شده است و دارای ۴۵ فایده است که پاره‌ای از آنها مربوط به مسائل اصولی است. این کتاب به صورت چاپ سنگی در ۱۵۰ صفحه موجود است.

۳. شرح باب حقیقت و مجاز از کتاب وافیه‌ی فاضل تونی که در دسترس نیست. (۴۰)

۴ و ۵. افزون بر کتاب‌های فوق دو رساله‌ی دیگر، یکی در حجّیت استصحاب و دیگری در اجماع به او نسبت داده شده است. (۴۱)

پاره‌ای از دیدگاه‌های اصولی علامه بحر العلوم

۱- از دیدگاه علامه‌ی بحر العلوم مفاهیم شرط، غایت، تعلیل، عدد و حصر چون متبادر برای عرف است، از این رو حجت می‌باشد. وی همچنین متمایل است که مفهوم وصف را حجت بداند.

علامه دیدگاهش در باب مفاهیم را در سه بیت زیر به زیبایی بیان می‌کند:

فحجّة و صار ذا منحصر	... و المفهوم ان تبادرا
والعدّ والحصر و عن قلیل	فی الشرط و الغایة و التعلیل
لکنه مرّحّ یؤید (۴۲)	حجّیة الوصف و لیس یبعد

۲- از دیدگاه سیّد بحر العلوم قیاس، گرچه به «قیاس اولویت» باشد حجت نیست. از دید او تنها در صورتی قیاس حجت است که «منصوص العلة» یا به «تنقیح مناط قطعی» باشد، یا به «فهم فحوای خطاب لفظی» باز گردد.

وی مطالب فوق را در دو بیت زیر بیان می‌کند:

إلا اذا نصّ علی العلیة	ولا تقس و لو بأولیة
فحوی من الخطاب لفظا فافهم (۴۳)	أو تقح المناط قطعا أو فهم

۳- علامه تحصیل احکام را از طریق اجتهاد واجب کفایی شمرده و قول به تجزّی در اجتهاد را قبول ندارد. وی این گونه می‌گوید:

و أخذ الأحكام بالاجتهاد فرض کفائی علی العباد

ولا أرى وجها لبحث التجزئة و عندنا الصواب قول التخطئة (۴۴)

۳. شیخ جعفر کاشف الغطاء (۱۱۵۶ - ۱۲۲۸ هـ)

شیخ جعفر بن خضر نجفی معروف به شیخ جعفر کبیر که به مناسبت نام یکی از تألیفاتش؛ یعنی «کشف الغطاء»، کاشف الغطاء خوانده می شود در سال ۱۱۵۶ هجری در نجف اشرف متولد شد. وی تحصیلاتش را نزد استادانی چون شیخ محمد مهدی فتونی عاملی، سید صادق فخام، شیخ محمدتقی دورقی، که همه از فقهای نجف بودند، و در کربلا نزد محقق بهبهانی به پایان برد. و شاگردان بزرگی نظیر حجة الاسلام شفتی صاحب مطالع الانوار، حاج محمد ابراهیم کلباسی مؤلف اشارات الاصول، شیخ محمد حسن صاحب جواهر، شیخ محمد تقی اصفهانی، سید صدرالدین موسوی عاملی و... داشت. (۴۵) شیخ جعفر، عالمی قوی پنجه و جامع، اما بسیار متواضع، شکسته نفس و مهربان بود. وی شجاعت بالایی داشت و نسبت به امر به معروف و نهی از منکر اهتمام تمام داشت. او پس از علامه بحر العلوم به مقام مرجعیت و ریاست عامه امامیه رسید. (۴۶) محقق کاظمی در مقابسه از او به «اجل اکمل،... تقی، تقی، رضی، مرضی، زکی، ذکی، صفی و...» (۴۷) یاد می کند.

پاره ای از مؤلفات (۴۸) شیخ جعفر کبیر عبارتند از:

- کشف الغطاء / ۱، کتابی است در فقه که در مقدمه ای آن اصول عقاید و اصول فقه مورد بحث قرار گرفته است.

این کتاب در میان دانشمندان شیعه بسیار مشهور و با اهمیت است.

- کشف الغطاء / ۲، این کتاب در رد میرزا محمد اخباری نوشته شده و غیر از کتاب اول است.

- الحق المبین، کتابی است در بیان فرقه های اصولیان با اخباریان و نقد دیدگاه های اخباری.

- غایة المأمول در اصول.

- مناسک حج.

- منهج الرشاد، در رد فرقه های وهابیت.

کتاب های اصولی شیخ جعفر

شیخ جعفر کبیر کتاب های اصولی مفصل ندارد، اما آن چه در اصول نوشته مورد توجه محققان قرار گرفته است.

۱- مهم ترین کتاب اصولی وی، همان مقدمه ای است که در آغاز کشف الغطاء پس از مباحث اعتقادی آمده است.

از شیخ انصاری نقل شده که هر کسی قواعد اصولی را که مرحوم کاشف الغطاء در اول کشف الغطاء طرح کرده به درستی بفهمد،

بی شک مجتهد است. (۴۹) این نقل نشان می دهد که مباحث اصولی مذکور در اوج قوت و استحکام علمی قرار دارد.

فهرست مباحثی که در این مقدمه طرح شده به شرح زیر است:

- لغت و بحث وضع، اوامر، اجزاء، مقدمه ای واجب، ضد، عام و خاص، مطلق، مفاهیم، ظواهر قرآن، خبر، اجماع، اصالة الاباحه، اصل

البرائة، اصل الصحة، الادلة الظنية و باب تعادل و تراجیح، الاجتهاد، السنن، رجحان احتیاط.

۲- کتاب الحق المبین، که در مورد تفاوت های اخباریان با اصولیان است. و در بخشی از این کتاب مبانی اخباریان نقد می شود.

پاره ای از مباحث کتاب به شرح ذیل است: عقل، کتاب، اخبار نبوی، اخبار و اجماع، قیاس، اجتهاد و تقلید.

۳- غایة المأمول که در دسترس نیست.

دیدگاه‌های اصولی مرحوم کاشف الغطا

۱- علامه‌ی کاشف الغطاء در بحث مفاهیم به نکات جدیدی اشاره می‌کند. وی از مفهوم جملات تازه‌ای بحث می‌کند که دیگران معمولاً به آن اشاره نمی‌کنند؛ مثلاً به مفهوم اولویت، مفهوم علت، مفهوم تلازم، مفهوم اقتضا، مفهوم ترتیب ذکر در قرآن و... اشاره می‌کند. محقق کاشف الغطاء معیار حجیت مفاهیم را به طور کلی حصول فهم معتبر نزد صاحبان نظر و اندیشه می‌شمارد. وی تنها مفهوم لقب را حجت نمی‌داند، اما در باقی معتقد است که عرف معتبر به طور مطلق یا با تقييدهایی آنها را حجت می‌داند. (۵۰)

۲- از دید مرحوم کاشف الغطاء اصل اباحه و اصل طهارت به اصل برائت باز می‌گردند. و حجیت این اصل نیز مقطوع است. ایشان بحث برائت را به برائت شرعی و عقلی تفصیل نمی‌دهد و ادله‌ی روایی برائت را ذکر نمی‌کند. (۵۱) روشن است که تا این زمان هنوز چنین دیدگاه عمیقی نسبت به اصول عملیه پدید نیامده بود.

۳- از دیدگاه کاشف الغطاء، اخبار تدوین شده در جوامع روایی مثل کتب اربعه تواتر لفظی و معنوی ندارند؛ زیرا تعداد ناقلان خبر کمتر از حد تواتر است. و نیز غالب این روایات محفوف به قراین قطعی نیستند و قطعاً دروغ و جعل نیز در آنها راه یافته است، از این رو علم آور بودن اخبار مذکور مورد تردید است و کلام اخباریان قابل قبول نیست. (۵۲)

۴. سید علی طباطبایی (۱۱۶۱-۱۲۳۱ هـ)

علامه سید علی بن محمد بن علی طباطبایی در سال ۱۱۶۱ هجری در کاظمین متولد شد. وی خواهرزاده و داماد محقق بهبهانی است. دارای هوشی سرشار و استعدادی عجیب بود و با وجود کمی سن از شاگردان مبرز محقق بهبهانی به شمار می‌رفت. (۵۳) محقق طباطبایی بسیار زود به درجات بالای اجتهاد و فقاہت دست یافت. محقق کاظمی در مقابسات الانوار از او به «استاد وحید، سید محققان، مدرک مدققان، علامه‌ی نحیر،... تبیین کننده‌ی مشکلات و مبهمات دین از طریق دلایل آشکار، نادره‌ی دوران و...» (۵۴) یاد می‌کند.

سید علی، انسانی موثق، فقیه، دارای حسن خلق و تواضع بسیار بود. استادان و مشایخ او کسانی؛ چون محقق بهبهانی، محمد علی بهبهانی (فرزند وحید بهبهانی) و شیخ یوسف بحرانی بوده‌اند. (۵۵)

مهم‌ترین شاگردان علامه طباطبایی (۵۶) عبارتند از:

- ابوعلی محمد بن اسماعیل مازندرانی حایری صاحب منتهی المقال.

- شیخ اسدالله دزفولی کاظمی، مؤلف مقابسات الانوار.

- سید محمد باقر شفتی، معروف به حجت الاسلام شفتی.

- شیخ محمد ابراهیم کلباسی، صاحب اشارات الاصول.

- سید جواد عاملی، مؤلف مفتاح الکرامة.

- سید محمد مجاهد، فرزند سید علی طباطبایی.

- شریف العلماء مازندرانی.

تألیفات علامه طباطبائی بسیار است، (۵۷) برخی از آنها به شرح زیرند:

- شرح بر مفاتیح الشرائع، که وی تنها کتاب صلوات آن را شرح کرده است.

- شرح بر مختصر النافع علامه، با عنوان «ریاض المسائل فی بیان احکام الشرع بالادلة»، که کتابی است بسیار عالی و صاحب

جواهر در کتابش گفته است: «اگر می خواستم در فقه کتابی بنویسم به سبک ریاض المسائل میر سید علی طباطبائی

می نوشتم». (۵۸)

شیخ انصاری رحمه الله نیز در وصیای خویش به طلاب گفته است: کتاب ریاض المسائل سید علی طباطبائی را مورد بحث و

بررسی قرار دهید؛ زیرا شما را در نیل به اجتهاد کمک فراوان خواهد کرد. (۵۹)

- رساله ای در اصول عقاید.

- حواشی متفرقه بر «الحدائق الناضرة» محدث بحرانی.

- حواشی متفرقه بر «مدارک الاحکام».

- رساله ای در اجماع و استصحاب.

- رساله ای در حجیت مفهوم موافقت.

- رساله ای در باب اختصاص خطاب شفاهی به حاضران در مجلس خطاب.

- رساله ای در باب مکلف بودن کفار به فروع.

- رساله ای در حجیت شهرت.

- حاشیه بر معالم الدین، که آن را در ابتدای جوانی نگاشته است.

- شرح «مبادیء الوصول إلى علم الاصول» علامه حلی، که به صورت پراکنده و نا تمام است.

آثار اصولی و برخی از دیدگاه های اصولی سید علی طباطبائی

علامه سید علی طباطبائی، صاحب ریاض المسائل رساله های متعددی در اصول فقه نگاشت، اما کتاب کاملی در اصول فقه ندارد.

هفت رساله آخری که در شمارش تألیفات وی نام بردیم، همه در اصول فقه است، اما هیچ یک از آنها دوره ای کاملی در اصول فقه

نمی باشد. صاحب ریاض نیز در اصول تابع استاد خود، محقق بهبهانی بود و همچون او در تنقیح مباحث اصولی و نقد مبانی اخباریان

اهتمام می ورزید. پاره ای از دیدگاه های اصولی وی را در زیر می آوریم:

۱_ از دیدگاه صاحب ریاض هر گاه علم اجمالی ما دارای اطراف غیر محصور باشد، در این صورت اجتناب از اطراف و احتیاط

واجب نیست. وی بر این مطلب ادعای اجماع می کند. (۶۰)

۲_ از دیدگاه صاحب ریاض، استصحاب در عدمیات اجماعاً معتبر است و سیره ای علما نیز بر تمسک به اصول عدمی؛ مانند اصل

عدم قرینه، اصل عدم نقل، اصل عدم اشتراک و... قرار گرفته است. (۶۱)

۳- از نظر صاحب ریاض قاعده ای فراغ و تجاوز در افعال طهارات ثلاث جاری نمی شود؛ زیرا شاک در بعضی از افعال وضو؛

مثلاً قبل از اتمام وضو باید آن فعل را بیاورد ولو در فعل دیگری وارد شده باشد. همین نکته در افعال غسل و تیمم جاری است و

چکیده

۱. دوره پنجم با ظهور وحید بهبهانی (۱۲۰۶ میلادی) و تلاش‌های پی‌گیر او در نقد و رد اخباریان آغاز شد و تا زمان شیخ انصاری (۱۲۸۱ میلادی) ادامه یافت. در طول این دوره بساط اخباریان به کلی برچیده شد و مبانی اصولی هر چه بیشتر تقویت گشت.

۲. محقق بهبهانی که از چهره‌های شاخص دانشمندان اسلامی است با تمام قوا به مبارزه با اخباریان برخاست. وی برای رسیدن به هدف خویش به سه اقدام اساسی دست زد:

(۱) حوزه‌ی اجتهادی در کربلا تأسیس کرد.

(۲) شاگردان زبده و ماهر بسیاری تربیت کرد.

(۳) کتاب‌ها و رساله‌های اصولی گرانسنگ و پر ارزشی تألیف کرد.

۳. مهم‌ترین شاگردان وحید که سهم بسیاری در اعتلای اصول فقه و شکست نهضت اخباریان داشتند، عبارتند از: محقق کاشف الغطاء، علامه‌ی بحر العلوم، محقق سید علی طباطبایی، میرزای قمی، شیخ محمد تقی اصفهانی، صاحب فصول، شریف العلماء، علامه‌ی مجاهد سید محمد طباطبایی و ...

۴. دغدغه‌های مهم اصولی این دوره بیشتر ناظر به اختلاف‌های میان اصولیان و اخباریان بود؛ مانند بحث‌های اجتهاد و تقلید، حجیت ظنون و بحث خبر واحد، دلایل عقلی و اصول عملیه (برائت، اشتغال و استصحاب).

۵. یکی از مباحث مهم این دوره اصول عملیه است که محققان دوره افزون بر دلایل عقلی برای اثبات آنها از دلایل شرعی و تعبیدی نیز سود می‌جستند که زمینه‌ساز تفکیک اصول عملیه‌ی عقلی از اصول شرعی در دوره‌ی بعد شد. همچنین مطالعه‌ی آثار اصولی این دوره از التفات اجمالی محققان دوره به تفاوت میان ادله و اصول حکایت می‌کند.

په نوشت:

۱. الحدائق الناضرة، ج ۱، ص ۱۷۰.

۲. به عامل رواج فلسفه در المعالم الجدیدة، ص ۱۰۸، اشاره شده است.

۳. مانند حاشیه‌ی او بر منهج المقال (رجال کبیر) تألیف میرزا محمد استرآبادی استاد مولی امین استرآبادی، و تعلیقه‌اش بر رجال میرزا محمد اخباری.

۴. الرسائل الاصولیة، تحقیق و نشر مؤسسه‌ی علامه بهبهانی، رساله الاجتهاد و الاخبار، ص ۵۷.

۵. همان، ص ۵۷.

۶. همان، ص ۶۱.
۷. نک: همان، صص ۲۷ - ۲۶.
۸. به پاره‌ای از عوامل فوق، در المعالم الجديدة، ص ۱۰۸، اشاره شده است.
۹. آغا بزرگ طهرانی، الکرام البررة، قسم اول از جزء دوم، صص ۱۷۲ - ۱۷۱.
۱۰. اعیان الشیعة، ج ۹، ص ۱۸۲.
۱۱. محدث نوری، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۷.
۱۲. عمر رضا کحّاله، معجم المؤلفین، ج ۳، ۱۵۴.
۱۳. زرکلی، الاعلام، ج ۶، ص ۴۹.
۱۴. نک: الکرام البررة؛ و نیز علی دوانی، وحید بهبهانی، صص ۱۵۲ - ۱۴۹.
۱۵. دوانی، صص ۱۶۸ - ۱۵۳.
۱۶. همان: صص ۲۵۲ - ۱۶۹.
۱۷. روضات الجنّات، ج ۲، ص ۹۷؛ الکرام البررة، صص ۱۷۴ - ۱۷۳؛ دوانی، صص ۱۴۸ - ۱۴۶.
۱۸. الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۶، ص ۲۰۵.
۱۹. روضات الجنّات، ج ۲، ص ۹۷.
۲۰. مقدمه‌ی الفوائد الحائریة، ص ۲۳.
۲۱. وحید بهبهانی، ص ۱۴۸.
۲۲. هشت رساله‌ی پیش گفته اخیرا با تحقیق مؤسسه‌ی علامه بهبهانی در قم انتشار یافته است.
۲۳. فهرست کامل تألیف‌های محقق بهبهانی را در مقدمه‌ی الرسائل الاصولیة، صص ۶۴ - ۵۹؛ مقدمه‌ی الفوائد الحائریة، صص ۲۶ - ۲۰؛ وحید بهبهانی، صص ۱۴۸ - ۱۴۶ بیاید.
۲۴. شیخ انصاری، فرائد الاصول، ج ۲، ص ۱۰.
۲۵. الفوائد الحائریة، صص ۴۶۸ - ۴۶۷، فائده ۲۸.
۲۶. الفوائد الحائریة، صص ۲۴۱ - ۲۴۰ و الرسائل الاصولیة، صص ۳۵۸ - ۳۵۰.
۲۷. همان، صص ۴۷۲ - ۴۶۸.
۲۸. سید کاظم حائری، مباحث الاصول (تقریرات درس شهید صدر)، جزء سوم از قسم دوم، صص ۶۸ - ۶۵.
۲۹. الفوائد الحائریة، ۲۴۷ - ۲۴۶.
۳۰. همان: صص ۱۸۵ - ۱۸۳.
۳۱. الرسائل الاصولیة، ص ۴۲۳.
۳۲. به رساله‌ی اجتهاد و تقلید در مجموعه‌ی «الرسائل الاصولیة» مراجعه کنید.
۳۳. دوانی، همان، ص ۱۷۳.

۳۴. منتهی المقال، ج ۶، صص ۳۶۰ - ۳۵۹.
۳۵. میرزا محمد اخباری به نقل از روضات الجنات، ج ۷، ص ۲۰۵.
۳۶. مقابس الانوار، ص ۱۸.
۳۷. روضات الجنات، صص ۲۰۵ - ۲۰۴؛ مقابس الانوار، ص ۱۸.
۳۸. همان: صص ۲۰۷ - ۲۰۶؛ همان، ص ۱۸.
۳۹. نک: مقدمه‌ی رجال بحر العلوم، به قلم سید محمد صادق بحر العلوم، ج ۱، صص ۹۵ - ۹۲.
۴۰. نام این سه کتاب در مقدمه‌ی تحقیقی که محمد صادق بحر العلوم بر رجال بحر العلوم نوشته، آورده شده است.
۴۱. زنوزی در ریاض الجنه این دو کتاب را به بحر العلوم نسبت داده است، به نقل از علی دوانی، همان، ص ۱۸۵.
۴۲. الدرّة البهیّة [ضمیمه شده به الدرّة النجفیّه]، چاپ سنگی، بدون شماره صفحه.
۴۳. همان.
۴۴. همان.
۴۵. روضات الجنات، ج ۲، ص ۲۰۱.
۴۶. همان، ص ۲۰۰.
۴۷. مقابس الانوار، ص ۱۹.
۴۸. نک: روضات، ص ۲۰۲؛ مقابس الانوار، همان.
۴۹. ادوار اجتهاد، ص ۲۹۶.
۵۰. کشف الغطاء، چاپ سنگی، ص ۳۱؛ و کشف الغطاء، چاپ جدید، ج ۱، صص ۱۸۷ - ۱۸۵.
۵۱. همان ص ۳۵؛ و همان، ص ۱۹۹.
۵۲. همان، ص ۴۰؛ و همان، صص ۲۲۱ - ۲۱۸.
۵۳. منتهی المقال، ج ۵، صص ۶۵ - ۶۳.
۵۴. مقابس الانوار، ص ۱۹.
۵۵. منتهی المقال، ص ۶۵؛ روضات الجنات، ج ۴، ص ۴۰۲.
۵۶. روضات الجنات، صص ۴۰۴ - ۴۰۳.
۵۷. منتهی المقال، ج ۵، صص ۶۵ - ۶۴؛ مقدمه‌ی ریاض المسائل، به قلم محمد هادی یوسفی غروی، ج ۱، صص ۱۱۴ - ۱۱۳.
۵۸. به نقل از جناتی در ادوار اجتهاد، ص ۳۰۰.
۵۹. همان.
۶۰. ریاض المسائل، چاپ سنگی، ج ۲، ص ۲۹۷، به نقل از رسائل شیخ، ج ۲، ص ۲۵۷.
۶۱. به نقل از شریف العلماء، نک: ضوابط الاصول، ص ۳۵۱.
۶۲. ریاض، ج ۱، ص ۲۲۷، به نقل از رسائل، ج ۳، ص ۳۳۶.

فصل هفتم

دوره پنجم

دورهی تجدید حیات و تحولات شگرف در اصول فقه (۲)

مهم‌ترین مباحث فصل:

- ✓ ادامه‌ی بررسی شخصیت‌های اصلی دوره پنجم و آرا و اندیشه‌های اصولی آنها
- ✓ نگاهی به مهم‌ترین اندیشه‌های اصولی دوره
- ✓ بررسی اجمالی اصول اهل سنت در این دوره
- ✓ شمارش پاره‌ای از مزایای مهم دوره پنجم

شخصیت‌های اصلی دوره (۲)

در درس گذشته برخی از شخصیت‌های دوره پنجم را مورد بررسی قرار دادیم. در این درس با عده‌ای دیگر از آنان آشنا شده، آثار و اندیشه‌های اصولیشان را بررسی خواهیم کرد.

۵. میرزای قمی (۱۱۵۰-۱۲۳۱ هـ)

محقق ارجمند و اصولی بزرگ میرزا ابوالقاسم بن مولی محمد حسن گیلانی، معروف به میرزای قمی و صاحب قوانین در سال ۱۱۵۰ هجری در روستای درّه باغ متولد شد. وی در جوانی به تحصیل علوم دینی مشغول شد. مقدمات را نزد پدرش فرا گرفت و سپس به خوانسار رفت و نزد علامه سید حسین خوانساری، جد صاحب روضات الجنات به شاگردی پرداخت و فقه و اصول را نزد او فرا گرفت. میرزای قمی از او اجازه‌ی اجتهاد و روایت دارد. بعدها میرزای قمی به نجف اشرف و کربلا مهاجرت و نزد محقق بهبهانی تلمذ کرد و به درجات بالایی از اجتهاد نایل آمد. میرزای قمی پس از طی مراحل کمال به ایران بازگشته و پس از مدتی در قم ساکن و به تعلیم و تألیف مشغول شد. وی در سال ۱۲۳۱ دارفانی را وداع گفت و در شهر قم به خاک سپرده شد. (۱)

اساتید و مشایخ میرزای قمی عبارتند از: (۲)

- ملا محمد حسن گیلانی شفتی.

- سید حسین خوانساری.

- محقق بهبهانی.

- شیخ محمد مهدی فتونی.

- آقا محمد باقر هزار جریبی.

برخی از شاگردان مهم میرزای قمی به شرح زیرند: (۳)

- شیخ میرزا ابوطالب بن ابی محسن قمی، داماد میرزا.

- شیخ ابوالقاسم کاشانی.

- مولی احمد نراقی.

- مولی اسدالله بروجردی که از استادان شیخ انصاری است.

- شیخ اسدالله دزفولی کاظمی، صاحب مقابس الانوار.

- سید عبدالله شبر.

- سید محسن اعرجی کاظمی.

- حجت الاسلام شفتی.

- شیخ محمد ابراهیم کلباسی.

- سید محمد جواد عاملی.

تألیفات و آثار میرزای قمی بسیار است (۴) که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- غنائم الايام در فقه.
- مناهج الاحكام در فقه.
- جامع الثنات در فقه که به صورت پرسش و پاسخ و در بردارنده‌ی تمام ابواب فقه است.
- رساله‌ای در اصول اعتقادی.
- رساله‌ای مبسوط در قضا و شهادت.
- رساله‌ای در ردّ صوفیه و غلات.
- دیوان شعر.
- القوانین المحکمۀ در اصول فقه.
- شرح تهذیب الاصول علامه‌ی حلی.
- و

آثار اصولی میرزای قمی

مهم‌ترین کتاب اصولی میرزای قمی «القوانین المحکمۀ» نام دارد. این کتاب از زمانی که نگاشته شد تا مدت‌ها کتاب درسی حوزه‌ها بود و حتی هنوز برخی از طلاب آن را در س می‌گیرند. این کتاب در دو جلد رحلی به صورت چاپ سنگی موجود است و متأسفانه هنوز چاپ تحقیق شده ندارد.

بی‌شک کتاب قوانین الاصول از مهم‌ترین کتاب‌های اصول فقه شیعه است. با تألیف این کتاب تحول عظیمی در اصول شیعه ایجاد شد؛ زیرا پس از مدت‌ها که کتاب اصولی کاملی نگاشته نشده بود و تحول چشمگیری در شیوه‌ی رایج مباحث اصولی دیده نمی‌شد، میرزای قمی به تألیف این کتاب پرداخت که دارای دو مزیت بسیار مهم فوق بود.

تبویب رایج شده در قوانین، ابداعی و تازه است و مباحث طرح شده در آن نیز بسیار عمیق و قابل توجه است. شاید بتوان گفت میرزای قمی قوی‌ترین شاگرد محقق بهبهانی در اصول فقه بود تا جایی که مرحوم وحید بهبهانی بر کتاب اصولی او حاشیه نگاشته است و این نشان از اهمیت میرزای قمی و مورد توجه بودن کتاب او دارد.

میرزای قمی کتاب قوانین را در یک مقدمه، هفت باب و یک خاتمه تنظیم کرده است.

در مقدمه، تعریف و موضوع علم اصول و پاره‌ای از مباحث الفاظ (حقیقت و مجاز، معانی الفاظ، تعارض احوال، مشتق و...) را مطرح کرده است.

- باب اول، در امر و نهی؛
- باب دوم، در مفهوم و منطوق؛
- باب سوم، در عام و خاص؛
- باب چهارم، در مطلق و مقید؛

- باب پنجم، در مجمل و مبین؛

- باب ششم، در ادله‌ی شرعی (کتاب، سنت، اجماع، عقل مستقل و غیر مستقل و اصول عملیه‌ی برائت، اشتغال، استصحاب، قاعده‌ی لاضرر، قیاس و نسخ)؛

- باب هفتم، در اجتهاد و تقلید؛

- خاتمه، در تعارض ادله (باب تعادل و تراجیح).

کتاب قوانین، مفصل و به لحاظ استدلالی قوی است و غالباً برای اثبات یک مسأله از دلایل متعدد و گوناگون سود می‌برد. بر این کتاب شروح و حواشی فراوانی نگاشته شده است. خود میرزای قمی بر این کتاب حاشیه زده (۵) و میرزا محمد اخباری نیز آن را شرح کرده است که ظاهراً شرحی انتقادی بر کتاب قوانین می‌باشد. (۶) مرحوم بهبهانی نیز بر کتاب قوانین حاشیه نگاشته است.

میرزای قمی افزون بر کتاب قوانین، شرحی بر تهذیب الوصول علامه و شرحی بر شرح مختصر حاجبی علامه و رساله‌ای در قاعده «تسامح در ادله‌ی سنن» تألیف کرده است که متأسفانه هیچ یک از این کتاب‌ها چاپ نشده‌اند.

نگاهی به دیدگاه‌های اصولی میرزای قمی

میرزای قمی به حق یک اصولی قوی و از مبرزترین شاگردان مرحوم بهبهانی در اصول فقه بوده است. دیدگاه‌های اصولی او بعدها مورد توجه محققان قرار گرفت و بحث‌های مبسوطی در ارتباط با دیدگاه‌های وی انجام شد. این نکته به خوبی در کتاب رسائل شیخ انصاری مشهود است و نشان از اهمیت و برجستگی آرا و اندیشه‌های اصولی میرزا دارد.

محقق قمی دیدگاه‌های جدیدی در اصول فقه دارد که پاره‌ای از آنها تحول اساسی در اصول ایجاد کرده است.

به پاره‌ای از این دیدگاه‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- میرزای قمی از کسانی است که در امامیه به حجیت مطلق ظنون حکم کرده است. مهم‌ترین دلیل برای انکار انحصار حجیت در ظنون به ظن خاصی که دلیل قطعی شرعی بر حجیت آن وجود دارد، دلیل انسداد باب علم بعد از غیبت کبرا است. (۷) دلایل دیگری نیز در این باب وجود دارد. مرحوم شیخ انصاری بحث مفصلی در بررسی این مسأله در کتاب رسائل دارد. (۸)

۲- میرزای قمی در بحث خطاب‌های مشافه‌ی، همچون همه‌ی اهل سنت و برخی از امامیه معتقد است که این خطاب‌ها مختص به مشافهان است و شامل کسانی که متأخر از زمان خطاب هستند نمی‌شود.

۳- میرزا موضوع اصول فقه را «ادله‌ی فقه» می‌خواند و این ادله را چهار تا بر می‌شمارد: کتاب، سنت، اجماع و عقل. از دید میرزای قمی اگر مدرک استصحاب، اخبار و روایات باشد، در این صورت استصحاب داخل در سنت خواهد بود و اگر مدرک آن دلیل عقلی ظنی باشد، آنگاه داخل در عقل خواهد بود. (۹)

۴- در بحث اجتهاد و تعریف آن میرزای قمی به تفصیل وارد می‌شود و هر دو تعریف رایج از آن را ذکر می‌کند، اما هر دو را نا تمام می‌داند. و خود می‌گوید: «اجتهاد، استفراغ و وسع در تحصیل حکم شرعی فرعی از ادله‌ی معتبر توسط کسی است که آشنا به ادله و احوال آن بوده و دارای قوه‌ی قدسی باشد که به واسطه‌ی آن قادر بر ردّ فروع بر اصول گردد». میرزای قمی قید «ظن» را از

تعریف خارج می‌سازد، چه آنچه از طریق اجتهاد حاصل می‌شود، گاهی قطعی و گاهی ظنی است و هر دو آنها نیز برای مجتهد و مقلدان او حجت است. (۱۰)

۶. مولی مهدی نراقی (۱۱۲۸ - ۱۲۰۹ هـ)

عالم اخلاق علامه مولی مهدی نراقی در سال ۱۱۲۸ هجری در قریه‌ی «نراق» کاشان متولد شد و در سال ۱۲۰۹ هجری در نجف اشرف وفات یافت. وی اولین فرد از علمای بزرگ بود که پس از وحید بهبهانی در گذشت. وی عالمی بزرگ بود و در رشته‌های فلسفه، کلام، اخلاق، فقه، اصول، حساب و... تخصص داشت. مهم‌ترین استادان او محقق بهبهانی و شیخ یوسف بحرانی بودند. محقق نراقی شاگردان بسیاری تربیت کرد که مهم‌ترین آنها مولی احمد نراقی، فرزند او و صاحب مستند الشیعه در فقه می‌باشد. (۱۱)

تألیفات محقق نراقی بسیار است (۱۲) که برخی از آنها عبارتند از:

- لوامع الاحکام فی فقه شریعه الاسلام که کتابی استدلالی و مبسوط است.
- تجرید الاصول.
- رساله‌ای در اجماع.
- اللمعات العرشیة در حکمت اشراق.
- جامع الافکار در الاهیات.
- رساله‌ای در حساب.
- جامع السعادات در اخلاق که در سه جلد چاپ شده است.
- الشهاب الثاقب در امامت که در ردّ رساله فاضل بخاری نگاشته است.

آثار اصولی محقق نراقی

فاضل نراقی چون معاصرانش، در زمانی می‌زیسته که اخباریان به شدت اجتهاد را زیر سؤال برده بودند. وی پس از تحقیقات علمی فراوان و استفاده از اساتیدی چون محقق بهبهانی به تبیین مبانی اجتهادی و تقد دیدگاه‌های اخباریان پرداخت و چندین کتاب اصولی نگاشت. مهم‌ترین و کامل‌ترین کتاب اصولی فاضل نراقی «تجرید الاصول» نام دارد که فرزند فاضلش آن را شرح کرده است. فهرست مباحث «تجرید الاصول» به شرح زیر است:

احکام، اجتماع امر و نهی، صحیح و اعم، کتاب، سنت، اجماع، استصحاب، برائت، احتیاط، استحسان، قیاس، تنقیح مناط، طرق استنباط، امر و نهی، ضد، اجزاء، اقتضای نهی بر فساد، عام و خاص، مجمل و مبین، مفاهیم، نسخ، اجتهاد و تقلید، تجرید، ترجیح و تعدیل.

از فهرست کتاب بر می‌آید که ساختار آن چندان منظم نبوده، بیشتر به مجموعه رسائل مختلف که در کنار هم گرد آمده‌اند، شبیه

است. فاضل نراقی چند کتاب اصولی دیگر به نام‌های «أنیس المجتهدین»، «جامعة الاصول» و «رسالة فی الاجماع» تألیف کرده است.

پاره‌ای از اندیشه‌های اصولی فاضل نراقی

- ۱- محقق نراقی در بحث مفاهیم، بر خلاف مشهور اصولیان معتقد به حجّیت مفهوم وصف است. وی همچنین مفهوم غایت را از قوی‌ترین مفاهیم می‌خواند، اما مفهوم لقب را چون دیگران حجّت نمی‌داند. (۱۳)
- ۲- از دیدگاه فاضل نراقی، اجماع منقول به خبر واحد، همچون خبر واحد، حجّت است زیرا دلایل حجّیت خبر واحد شامل اجماع منقول نیز می‌شود. (۱۴)

۷. سید محسن اعرجی کاظمی (م ۱۲۴۲ هـ)

- علامه سید محسن بن سید حسن اعرجی کاظمی، مشهور به مقدّس کاظمی از بزرگان و مفاخر شیعه در اواسط قرن سیزدهم است. وی فقیه، اصولی، محقق مدقّق و بسیار عابد و زاهد بود.
- محقق کاظمی نزد اساتیدی چون سید صدرالدین قمی، محقق بهبهانی و میرزای قمی درس خوانده است، و شاگردانی مانند حجة الاسلام سید محمدباقر شفتی و سید عبدالله شبر و سید صدرالدین عاملی داشته است. (۱۵)
- وی دارای تألیفات مختلفی است (۱۶) که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:
- ارجوزة فی الفقه.
 - حاشیه بر وافی ملا محسن فیض کاشانی.
 - المحصول فی شرح الوافیة الأصول تألیف فاضل تونی.
 - وسائل الشیعه فی احکام الشریعة در فقه که مهم‌ترین و مشهورترین کتاب اوست.
 - عدّة الرجال.

آثار و اندیشه‌های اصولی محقق کاظمی

- محقق ارجمند سید محسن اعرجی کاظمی در اصول تحقیقات ارزشمندی دارد. وی راه استادان خویش را ادامه داده و در تبیین، دفاع و تکامل مبانی اصول فقه کوشیده است. مهم‌ترین کتاب اصولی او «المحصول» است که شرحی ارزشمند و قوی بر کتاب الوافیة فاضل تونی می‌باشد. (۱۷) وی کتاب‌های اصولی دیگری به نام‌های «الوافی»، شرح دیگری بر الوافیة فاضل تونی، حاشیه بر الوافیة، سلاله الاجتهاد، شرح مقدّمات الحدائق الناضرة و اصالة البرائة نوشته است. (۱۸)
- همچنین محقق کاظمی در مقدمه‌ی کتاب فقهی خود؛ یعنی «وسائل الشیعة» پاره‌ای از بحث‌های مهم اصولی و اختلاف‌های اصولیان با اخباریان را مطرح کرده است. (۱۹)
- به چند دیدگاه اصولی محقق کاظمی در این جا اشاره می‌کنیم:

۱. محقق کاظمی، در بحث وقوع تعبد به ظن، اصل اولی را «اباحی عمل به ظن» می‌داند؛ زیرا اصل در اشیا اباحه است. (۲۰) این نظر در واقع خلاف نظریه‌ی مشهور نزد امامیه است که قبل از ورود دلیل شرعی بر تعبد، اصل اولی را عدم حجیت و حرمت عمل به ظن می‌دانند.

۲. اصولیان امامیه اجماع را از آن جهت حجت می‌دانند که کاشف قطعی از قول معصوم است؛ لذا محققان بحثی را در اصول طرح کرده‌اند که مستند و دلیل این قطع در کشف قول امام چیست؟ راه‌های متفاوتی در توجیه آن ارایه شده است که عبارتند از: طریق حس، قاعده‌ی لطف و طریق حدس. محقق کاظمی که اجماع منقول را قبول دارد، آن را از طریق حدسی که مستند به حس یا مستلزم آن است توجیه می‌کند. (۲۱)

۳. در شبهات محصوره، محقق کاظمی قایل به وجوب اجتناب از همه اطراف است و ادعای اجماع بر این قول کرده است. (۲۲)

۴. از دید محقق کاظمی حکم وضعی عین حکم تکلیفی است. (۲۳)

۸. سید محمد مجاهد (م ۱۲۴۲ هـ)

علامه سید محمد بن سید علی طباطبایی، مشهور به «مجاهد» از علمای بزرگ این دوره است. وی فرزند سید علی صاحب ریاض المسائل و داماد سید مهدی بحر العلوم (علامه بحر العلوم) است. وی فقیه، اصولی، ادیب و رجالی بود. علامه‌ی مجاهد پس از تکمیل و طی مراحل علمی نزد اساتیدی چون سید علی طباطبایی (پدرش) و علامه بحر العلوم از کربلا به ایران مراجعت کرد و در اصفهان ساکن شد، اما پس از فوت پدر به کربلا باز گشت و به تعلیم و تدریس مشغول شد تا این که دوباره به ایران مراجعت کرده و سرانجام در سال ۱۲۴۲ هجری در قزوین بدرود حیات گفت. جنازه‌اش به کربلا منتقل و در آنجا دفن شد. (۲۴)

برخی از تألیفات علامه مجاهد به شرح زیرند: (۲۵)

- استصحاب در اصول فقه.
- اصلاح العمل در عبادات.
- مناهل در فقه.
- الوسائل إلى النجاة در اصول فقه.
- المصابیح در فقه.

آثار و اندیشه‌های اصولی علامه مجاهد

علامه سید محمد مجاهد همچون پدر و شاید قوی‌تر از او در اصول فقه ظاهر شد و آثار بسیار ارزشمندی تألیف کرد. آثار اصولی او عبارتند از:

۱. **مفاتیح الاصول**، که در ۷۲۰ صفحه رحلی چاپ سنگی شده است. این کتاب مبسوط‌ترین کتاب اصولی است که تا آن زمان نگاشته شده بود. فهرست اجمالی مباحث کتاب به صورت زیر است:

وضع، حجیت ظاهر، مشتق، صحیح و اعم، حقیقت و مجاز، تعارض احوال لغت، اوامر، نواهی، عموم و خصوص، مطلق و مقید،

مفاهیم، مجمل و مبین، نسخ، تأسی به افعال، تقریر، احکام شرعی، خبر واحد، تسامح در ادله سنن، خبر متواتر، علم و ظن، اجماع، شهرت، اصالة البرائة، اجتهاد و تقلید، استصحاب، قیاس، تعادل و تراجیح.

این کتاب به لحاظ استدلالی بسیار قوی است. تحقیقات بسیار دقیق و پرمغزی در آن مشاهده می شود که به حق نشانگر دقتها و ژرف نگری های اصولی علامه می مجاهد است. متأسفانه این کتاب قیّم تاکنون تحقیق و چاپ جدید نشده است. تحقیقات اصولی سید مجاهد در این کتاب به طور قطع مورد نیاز محققان اصولی فعلی است.

۲. **الوسائل إلى النجاة**، این کتاب را علامه می مجاهد در اوایل جوانی تألیف کرده است.

۳. **حاشیه بر معالم الدین**.

۴. **رساله ای در حجّیت شهرت**.

۵. **رساله ای در حجّیت ظنون**.

۶. **رساله ای در استصحاب**.

متأسفانه رساله های مذکور هنوز تحقیق و چاپ نشده اند.

در ادامه به چند دیدگاه اصولی محقق طباطبایی اشاره می کنیم:

(۱) علامه می مجاهد، بر خلاف بسیاری از محققان آن دوره؛ نظیر محقق بهبهانی و علامه بحر العلوم، در مورد الفاظ عبادات و معاملات معتقد است که آنها برای اعم از صحیح وضع شده اند. (۲۶)

(۲) محقق طباطبایی همچون بسیاری دیگر از معاصرانش در نقد اخباریان مطالب بسیاری دارد؛ از جمله دلایلی که وی به صورت مبسوط در اثبات حجیت ظن به آن می پردازد، دلیل انسداد است. اما برخلاف میرزای قمی وی مطلق ظن را حجت نمی داند. (۲۷)

(۳) از دیدگاه محقق مجاهد استصحاب یک دلیل شرعی است؛ مانند کتاب و سنت، نه صرفاً یک دلیل عقلی ظنی. وی همچنین معتقد است که اطلاق ادله حجّیت استصحاب، دلالت دارد که استصحاب در احکام مطلقاً حجت است. (۲۸)

۹. **شریف العلما مازندرانی (م ۱۲۴۵ هـ)**

علامه شهیر محمد شریف بن ملاحسنعلی آملی مازندرانی، ملقب به شریف الدین و مشهور به شریف العلما از بزرگان و فقه های جلیل این دوره است. وی در فقه و اصول بی مانند و مجلس درش همواره شلوغ بوده است.

شریف العلما نزد اساتیدی چون سید علی طباطبایی صاحب ریاض و سید محمد مجاهد صاحب مفاتیح الاصول درس خواند. وی شاگردان قوی و مؤثری تربیت کرده است؛ مانند شیخ مرتضی انصاری، سعید العلمای بار فروشی (بابلی)، ملا آقا دربندی، سید

ابراهیم قرزینی (صاحب ضوابط الاصول)، سید محمد شفیع جابلقی، ملا اسماعیل یزدی و... (۲۹)

شریف العلما با تمام تبصری که در علم اصول داشته، اما تألیف چندانی از خود به جا نگذاشته است. تنها رساله ای که از او باقی مانده، رساله ای است در «جواز امر آمر با علم به انتفای شرط» که بنا به گفته می صاحب ریحانة الادب بسیار مبسوط است. (۳۰) این

رساله چاپ نشده و نسخه می خطی آن در یکی از کتابخانه های عراق موجود است.

شریف العلما و تأثیر وی در اصول فقه

اگر چه شریف العلما کتاب اصولی در دسترسی ندارد، اما تأثیر عظیم و حق بزرگ وی در تکامل و پیشرفت اصول از تربیت شاگردان مبرزی؛ چون شیخ انصاری، سعید العلما و سید ابراهیم قزوینی (صاحب ضوابط) مشهود است. اهمیت این محققان در اصول فقه و کتابهای ارزشمندشان در این زمینه، از زبردستی و مهارت استادشان نیز حکایت می کند. همچنین مشهور است که «ضوابط الاصول» تقریر درس شریف العلما است که سید ابراهیم قزوینی آن را نگاشته است. (۳۱) لذا خود شریف العلما نیز می گفت: سید ابراهیم قزوینی هر چه دارد از من است. (۳۲)

۱۰. شیخ محمد تقی بن عبد الرحیم اصفهانی (۱۱۸۵ - ۱۲۴۸ هـ)

علامه‌ی بزرگ محمد تقی بن عبد الرحیم، مشهور به صاحب حاشیه، در سال ۱۱۸۵ یا ۱۱۸۷ هجری در روستای «ایوان کیف» از توابع شهر دماوند متولد شد. وی در عنفوان جوانی به عتبات عزیمت کرد و مشغول تحصیل شد. و پس از مدتی به سطوح عالی علم و اجتهاد دست یافت. صاحب روایات او را «افضل دانشمندان عصرش در فقه و اصول و بصیرترین آنها در معقول و منقول» می شمارد. (۳۳) و شیخ آغا بزرگ تهرانی نیز او را «یکی از رؤسای طایفه‌ی امامیه در قرن سیزدهم» می خواند که «به درجه‌ی بالایی از علم و عمل» دست یافت. (۳۴)

علامه اصفهانی نزد استادانی؛ چون محقق بهبهانی، علامه‌ی بحر العلوم، شیخ جعفر کاشف الغطاء، سید علی طباطبایی، سید محسن اعرجی کاظمی، شاگردی کرد. و خود نیز شاگردان بسیاری تربیت نمود؛ مانند میرزا محمد باقر خوانساری (صاحب روایات الجنات)، میرزا محمد حسن مجدد شیرازی، شیخ محمد حسین اصفهانی (صاحب فصول که برادرش بود)، مولی هادی سبزواری (مؤلف شرح منظومه در فلسفه) و... (۳۵)

محقق اصفهانی در سال ۱۲۱۶ هجری به ایران مراجعت کرد و در اصفهان مسکن گرفت و در آنجا مشغول تألیف و تدریس گشت تا این که سرانجام در سال ۱۲۴۸ هجری در همان شهر در گذشت و در «تخت فولاد» به خاک سپرده شد. (۳۶)

محقق اصفهانی تألیفات ارزشمندی دارد (۳۷) که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

- احکام الصلاة، رساله‌ای فارسی در احکام نماز است. نسخه خطی آن در کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی در قم موجود است.

- تبصرة الفقهاء، که کتابی استدلالی در فقه است و بخش طهارت، اوقات صلات و بخش زکات و قسمتی از بیع آن نوشته شده است.

- هدایة المسترشدين در اصول فقه که حاشیه بر معالم الدین است.

- شرح اسمای حسنی.

آثار اصولی محقق اصفهانی

۱. مهم ترین کتاب اصولی محقق اصفهانی حاشیه و شرح او بر معالم الدین است که به «هدایة المسترشدين» موسوم است. کتاب در سه جلد تنظیم شده و بسیار مفصل است. بسیاری از محققان این کتاب را مهم ترین شرح معالم دانسته و چون فصل بهار در میان

فصول شمرند. (۳۸) به دلیل شهرت این کتاب، نویسنده آن به «صاحب الحاشیه یا صاحب الهدایه» مشهور است. کتاب «هدایه المسترشدين» بارها به صورت چاپ سنگی منتشر شده است و اخیراً موسسه نشر اسلامی در قم به تحقیق و نشر آن اقدام کرده است.

۲. **حجیه المظنه**، که یک بار همراه با معالم الدین و در حاشیه آن چاپ شده است.

۳. **مسأله الظنون**، صاحب روضات آن را نام برده است (۳۹) که احتمالاً با رساله‌ی قبلی یکی باشد.

دیدگاه‌های اصولی محقق اصفهانی

محقق اصفهانی، اصولی بزرگ و قابل احترامی است. تدقیقات و نظریه‌های ناب که وی در اصول فقه ارایه کرده است، نشان از این عظمت علمی دارد. افزون بر این، توجه محققان بعدی؛ چوی شیخ انصاری، محقق خراسانی و دیگران، به دیدگاه‌های اصولی او خود گواه روشنی بر این ادعا است.

به چند دیدگاه او در این جا اشاره می‌کنیم:

۱. در بحث حجیت ظنون هم قایلان به حجیت ظن مطلق و هم معتقدان به حجیت ظن خاص، به تناسب از دلیل انسداد استفاده می‌کنند. محقق اصفهانی نیز این دلیل را - البته با بیانی متفاوت و تقریری جدید - برای اثبات حجیت ظن ناشی از خبر (۴۰) ذکر می‌کند، اما از دید او دلیل انسداد تنها حجیت ظنونی را ثابت می‌کند که بر عدم حجیت آنها دلیلی اقامه نشده باشد؛ لذا امثال قیاس و استحسان که دلیل قطعی بر عدم حجیت آنها وجود دارد با دلیل انسداد ثابت نمی‌شوند و تخصصاً از حوزه‌ی آن خارج می‌باشند. (۴۱)

۲. صاحب هدایه، در دوران بین اقل و اکثر، هرگاه شک در جزئیت خارجی از جهت فقدان نص باشد، همچون محقق سبزواری و شریف العلماء قایل به وجوب احتیاط است. در حالی که نظر مشهور محققان اصولی خاصه و عامه اجرای اصالة البرائة در این موارد است. (۴۲)

۳. از دیدگاه صاحب هدایه المسترشدين حکم وضعی، حکم مستقل و مجعول بالذات است و منتزاع از حکم تکلیفی نیست، در حالی که نظریه‌ی مشهور این است که خطاب وضعی به خطاب شرعی تکلیفی باز می‌گردد. (۴۳) افزون بر محقق اصفهانی، بزرگانی چون علامه، شهید ثانی، وحید بهبهانی، میرزای قمی و صاحب فصول نیز دیدگاه نامشهور را در مورد احکام وضعی پذیرفتند. (۴۴)

۱۱. شیخ محمد حسین اصفهانی (م ۱۲۶۱ هـ)

محقق ارجمند شیخ محمد حسین بن عبدالرحیم، مشهور به صاحب فصول، در قریه‌ی «ایوان کیف» از توابع دماوند تهران متولد شد. وی برادر کوچکتر صاحب هدایه المسترشدين است و نزد صاحب هدایه شاگردی کرده است. شیخ حسین باهوش و عمیق بود، وی پس از مدتی در فقه، اصول، معقول و منقول تبحر یافت. (۴۵)

صاحب فصول تألیفاتی داشته است که مهم‌ترین آن «الفصول الغرویة فی الاصول الفقهیة» می‌باشد. رساله‌ی عملیه‌ای نیز در عبادات به فارسی نگاشته است. (۴۶)

صاحب فصول پس از رسیدن به درجات عالی علمی به کربلا مهاجرت کرد و در آنجا ساکن شد تا این که در سال ۱۲۵۴ یا ۱۲۶۱

آثار و اندیشه‌های اصولی صاحب فصول

تنها کتابی که از شیخ محمد حسین در اصول فقه باقی مانده، کتاب «الفصول الغریبه» است که کتابی مبسوط است. این کتاب به لحاظ علمی و استدلالی عمیق و پیچیده است. صاحب «ریحانه‌الادب» در مورد آن می‌گوید: «این کتاب در تحقیقات انیقه و تدقیقات رشیکه، اجمع و اکمل کتب اصولیه بوده و محل استفاده‌ی اکابر و فحول و فهم مطالب و تفتّین بر نکات و دقایق آن مایه‌ی افتخار افاضل و بهترین معرف مقامات علمی مؤلف می‌باشد». (۴۸)

غالب محققان آن را هم‌سنگ قوانین میرزای قمی و هدایه‌المسترشدین دانسته‌اند و شیخ انصاری در رسائلش از این کتاب مطالب زیادی نقل می‌کند. بر این کتاب حواشی مختلفی نگاشته شده است؛ نظیر «حاشیه‌الفصول» احمد شیرازی و «خلاصه‌الفصول» صدرالدین صدر. (۴۹)

مباحثی که در فصول مطرح می‌شود به شرح زیر است:

- مقدمات (تعریف و موضوع اصول فقه و پاره‌ای از مقدمات لغوی؛ مانند وضع، استعمال، صحیح و اعم، استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد، مشتق).
- مقاله‌ی اول در بحث دلالت (اوامر، مقدمه‌ی واجب، ضد، اجزاء، نواهی، اجتماع امر و نهی، اقتضای نهی بر فساد، مفاهیم، عام و خاص، نسخ).
- مقاله‌ی دوم در مورد ادله‌ی سمعیّه (اجماع، خبر، خبر واحد، تسامح در ادله‌ی سنن، فعل و تقریر).
- مقاله‌ی سوم در موضوع ادله‌ی عقلیه (حسن و قبح عقلی، اصالة برائت، استصحاب، قیاس).
- خاتمه در مورد اجتهاد و تقلید و تعادل و تراجیح.

در ادامه به چند دیدگاه اصولی محقق اصفهانی اشاره می‌کنیم:

- ۱- صاحب فصول بر خلاف دیدگاه جمهور علما که موضوع علم اصول را «ادله‌ی اربعه» می‌دانند، معتقد است که «ذات الادله بماه‌ی هی»؛ صرف نظر از حجیت و عدم حجیت آن، موضوع علم اصول است. (۵۰)
- ۲- صاحب فصول در تفسیر واژه‌ی «ظن» که بسیاری - و از جمله خود وی - در تعریف اجتهاد آن را به کار برده‌اند، می‌گوید: مراد از ظن معتبر شرعی با توجه به دیدگاه‌های مجتهدان در مورد حجیت ظنون متفاوت است؛ زیرا از دید کسی که تنها ظنون خاص را حجت می‌داند مراد از تحصیل ظن چنین ظنونی است، اما از دیدگاه مجتهدی که قایل به حجیت مطلق ظن است، مراد از تحصیل ظن در عملیات اجتهاد، ظنون به صورت مطلق است. خود صاحب فصول معنای نخست را از واژه‌ی ظن اراده می‌کند؛ زیرا وی مطلق ظن را حجت نمی‌داند. (۵۱)
- ۳- از نظر گاه صاحب فصول استصحاب احکام ادیان پیشین حجت نیست؛ زیرا در این جا موضوع واحدی وجود ندارد، به جهت این که حکمی که در دین بعدی ثابت می‌شود، مثل و شبیه حکمی است که در ادیان سابق ثابت بود، اما عین آن نیست. افزون بر این که

دین جدید ناسخ همه‌ی ادیان پیشین است، از این رو استصحاب بقای حکم شریعت پیشین جایز نیست. (۵۲)

۱۲. سید ابراهیم قزوینی (۱۲۶۶ - ۱۲۱۴ هـ)

محقق ارجمند سید ابراهیم بن محمد باقر موسوی قزوینی، مشهور به صاحب ضوابط در سال ۱۲۱۴ هجری در قزوین متولد شد. وی در جوانی برای تحصیل علوم دینی به عتبات رفت و نزد اساتیدی چون شریف العلماء، شیخ موسی و شیخ علی فرزندان کاشف الغطاء، صاحب ریاض و سید مجاهد تلمذ کرد. و پس از مدتی به مقامات علمی دست یافت. و در زمان استاد خویش شریف العلماء تدریس را آغاز و شاگردان بسیاری تربیت کرد؛ مانند سید حسین کوه‌کمری، شیخ زین‌العابدین مازندرانی، شیخ محمد کریم لا

هیجی، صاحب قصص العلماء (میرزاتنکابنی) و ... (۵۳)

صاحب ضوابط در سال ۱۲۶۶ هجری در کربلا درگذشت.

سید ابراهیم قزوینی تألیفات مختلفی داشته است؛ (۵۴) مانند:

- القواعد الفقہیة که حاوی پانصد قاعده‌ی فقهی است.

- دلائل الاحکام فی شرح شرائع الاسلام.

- رساله‌ای در صلاة الجمعة.

- ضوابط الاصول.

آثار اصولی صاحب ضوابط

۱- مهم‌ترین اثر اصولی سید ابراهیم قزوینی کتاب ارزشمند «ضوابط الاصول» است که از کتاب‌های بسیار مهم این دوره به شمار

می‌رود. برخی از شاگردان وی بر این کتاب شرح و حاشیه نگاشته‌اند. (۵۵)

برخی از محققان گفته‌اند، این کتاب «تقریرات درس شریف العلماء» به قلم سید ابراهیم قزوینی است (۵۶) که در این صورت کتاب

مذکور نشانگر عظمت اصولی شریف العلماء و قدرت فهم سید ابراهیم قزوینی در تألیف آن است. در هر حال فهرست مطالب این

کتاب به صورت زیر است:

- کلیات (در تعریف اصول فقه، موضوع آن و مبادی لغوی؛ مانند وضع، حقیقت شرعی، صحیح و اعم، و ...، امر، مقدمه‌ی واجب،

ضد، مفاهیم، اجتماع امر و نهی، نواهی، اقتضای نهی بر فساد، عموم و خصوص، مطلق و مقید، مجمل و مبین، اجماع، سنت (خبر

متواتر و خبر واحد، ملازمات عقلیه، الاصول، استصحاب، اجتهاد و تقلید، تعادل و تراجیح.

۲- نتایج الافکار که خلاصه‌ی کتاب فوق است.

۳- حجیة الظن، که رساله‌ای در بحث اثبات حجیة ظنون خاص است.

دیدگاه‌های اصولی سید ابراهیم قزوینی

آنچه از دیدگاه‌های اصولی صاحب ضوابط گفته می‌شود، نشانگر دیدگاه‌های اصولی استادش شریف العلماء نیز هست، از این رو

اهمیت دارد.

۱- از دیدگاه شریف العلماء و صاحب ضوابط دلیل انسداد، حجیت ظن را در نفس احکام فرعی ثابت می کند، اما از این دلیل نمی توان حجیت طریق ظنی را که مبری ذمه باشد ثابت کرد؛ زیرا این ظن، ظن در مسأله اصولی است. (۵۷) صاحب هدایه المسترشدين و برادرش صاحب فصول عکس این نظریه را قبول دارند.

۲- صاحب ضوابط به تبع استادش در تعریف استصحاب می گوید: «الاستصحاب هو ابقاء ما كان» (۵۸) و شیخ انصاری رحمه الله این تعریف را کوتاه ترین و در عین حال محکم ترین تعریف برای استصحاب می شمارد. (۵۹)

۳- از دیدگاه شریف العلماء و صاحب ضوابط اجرای استصحاب در وجوب باقی اجزای مرکب در صورت تعدد بعضی از اجزای آن صحیح نیست؛ زیرا آن چه در سابق قبل از تعدد بعضی از اجزا ثابت بود، وجوب اجزای باقی به تبع وجوب کل و مرکب - و از باب مقدمه - بود و این وجوب اکنون قطعاً مرتفع است، اما آن چه بعد از تعدد بعضی از اجزا قرار است ثابت شود، وجوب نفسی استقلالی اجزای باقی است و این وجوب سابقاً قطعاً منتفی بوده است. (۶۰)

مهم ترین آثار این دوره

در این دوره، اصول که پس از نهضت محقق بهبهانی و افول مبانی اخباری گری، حیات دوباره یافته بود به اوج شکوفایی خویش رسید. به یک معنا همه ی آثار پدید آمده در این دوره ی مهم، ارزشمند و پیشرفته است. به حق فاصله و شکاف میان اصول این دوره که پس از شکست اخباریان به وجود آمد با آن چه تا پیش از نهضت اخباریان وجود داشت، شگفت آور و تحسین برانگیز است. با این که شمارش آثار اصولی مهم این دوره سخت به نظر می رسد، در عین حال ما به چند اثر مهم تر اشاره می کنیم:

۱- الفوائد الحائریة و مجموعه رسائل اصولی مرحوم وحید بهبهانی:

این نگاهتهای اصولی از این جهت با اهمیت هستند که به دلیل دارا بودن از استحکام علمی بالا و تقدیم عمیق و گسترده، علت اصلی فروکش کردن ادعاهای اخباریان در نقد و ابطال مباحث اصول به شمار می روند. از این رو، رسائل مرحوم وحید و بحثهای اصولی و افقهای جدیدی را به روی محققان اصول فقه گشود که از جمله ی آنها توجه به بحث مهم ظنون و کیفیت حجیت آن، بحث اصول عملیه و تفصیل و تدقیقهای بیشتر در آن؛ به ویژه توجه به جنبه های تعبیدی و روایی در اصول عملیه می باشد.

۲- «القوانین المحکمة» تألیف میرزای قمی:

کتاب مذکور به دلیل دارا بودن ویژگی های چندی از آثار مهم این دوره به شمار می رود: اولاً، پس از مدت های طولانی که در اثر هجوم اخباریان کتاب مستقلی در اصول نگاشته نشده بود و بیشتر حاشیه نویسی و شرح نگاری رایج بود، این کتاب نخستین اثر اصولی مستقل و مفصل در اصول فقه بود. ثانیاً، تبویب کتاب فوق ابداعی و تازه است، و شیوه ی ارایه ی مباحث نیز در آن به طور چشمگیری متحول شده است. ثالثاً، ارایه ی دیدگاه های نواز سوی میرزای قمی در بعضی مباحث اصولی؛ مانند اثبات حجیت مطلق ظنون در استنباط احکام شرعی و تأثیر آن در اصول فقه، زمینه ی توجه جدی به این کتاب را فراهم کرد و باعث پدید آمدن بحثهای مبسوط و دامنه داری در این مباحث شد و به این ترتیب، این گونه مباحث در اصول فقه شیعه به سرعت رشد و تکامل یافت.

۳- «مفاتیح الاصول» تألیف سید محمد مجاهد:

این کتاب که در ۷۲۰ صفحه رحلی با چاپ سنگی جامه‌ی طبع پوشیده شده است، مبسوط‌ترین کتاب اصولی است که تا آن زمان نگاشته شده بود. کتاب مذکور به لحاظ استدلالی بسیار قوی و دارای تحقیقات پر مغز و ژرفی می‌باشد که در اصول فقه شیعه و از جمله مکتب اصولی شیخ انصاری تأثیر جدی داشته است. (۶۱)

۴- «هدایة المسترشدين» اثر شیخ محمد تقی اصفهانی:

این کتاب، اگر چه شرح معالم‌الدین است و دارای تنظیم و چینش جدیدی نیست، اما مورد توجه بسیار محققان بعدی؛ همچون شیخ انصاری، محقق خراسانی و دیگران قرار گرفته است و این نشان از تأثیر کتاب مذکور و آرای موجود در آن در اصول دوره‌ی بعد دارد.

۵- «الفصول الغرویة» نگاشته‌ی شیخ محمد حسین عبدالرحیم اصفهانی:

کتاب فوق دارای تبویب جدیدی است و بسیاری از نظریات مطرح شده در آن خاص نگارنده‌ی آن است و لذا مورد توجه محققان اصولی دوره‌ی بعد قرار گرفت.

۶- «ضوابط الاصول» نوشته‌ی سید ابراهیم قرزینی:

ظاهراً تقریر درس شریف العلماء است. این کتاب از آن جهت اهمیت دارد که حاوی آرای اصولی استاد شیخ انصاری است، استادی که شیخ انصاری از او تأثیر جدی پذیرفته و برای اندیشه‌های اصولیش ارزش خاصی قایل است. افزون بر کتاب‌های فوق، می‌توان آثاری چون: «مقدمه‌ی اصولی کشف الغطاء»، «الوافی و المحصول» تألیف سید محسن اعرجی، «تجرید الاصول» نراقی و... را نیز مهم و در خور توجه دانست؛ زیرا در تکامل و تحول علم اصول نقش شایسته‌ای داشته‌اند.

افکار و اندیشه‌های رایج این دوره و پاره‌ای از ابتکارات دوره

۱- یکی از مهم‌ترین مباحثی که در این دوره رونق بسیاری یافت، بحث اصول عملیه بود. در واقع می‌توان گفت محققان این دوره به اجمال به تفاوت دو دسته از ادله پی بردند و آنها را به ادله‌ی اجتهادی و ادله‌ی فقهاتی تقسیم کردند. اگر چه این کار به صورت صریح در نوشته‌های آنان یافت نمی‌شود، اما از مطالعه‌ی آثار اصولی آنها این نکته قابل اصطیاد است؛ لذا می‌توان محقق بهبهانی و شاگردان نخستین وی را مبدع ابتدایی این بحث بسیار مهم اصولی دانست، بحثی که بعدها در مکتب شیخ انصاری پرورش یافت و به اوج خویش رسید که در بررسی دوره‌ی بعد به آن خواهیم پرداخت.

۲- بحث برائت عقلی در این دوره همراه با ادله‌ی شرعی برائت مورد توجه قرار گرفت. اما آن چه شایسته‌ی توجه است، برهان جدیدی است که محقق بهبهانی برای نخستین بار در اثبات برائت عقلی به کار گرفت که شاگردان وی نیز این برهان را پذیرفته و آن را تبیین و شرح کردند. این برهان که هنوز هم از سوی طرفداران برائت عقلی به کار می‌رود «قاعده‌ی قبح عقاب بلابیان»

نام دارد.

۳- یکی از بحث‌های مهمی که در این دوره بیشتر مورد توجه قرار گرفت، بحث مستقلات عقلی و غیر مستقلات عقلی است و به ویژه بحث حسن و قبح عقلی در این دوره اهمیت یافته و به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.

۴- یکی از بحث‌های بسیار مهم که در این دوره مطرح است، بحث ظنون و کیفیت حجیت آن است که باعث به وجود آمدن نزاع‌های دامنه‌داری شده است. پاره‌ای از محققان تنها حجیت ظن خاص را می‌پذیرند و در مقابل عده‌ای؛ چون میرزای قمی حجیت مطلق ظن را ثابت می‌کنند و دلیل انسداد و دلایل دیگری را در اثبات آن به کار می‌گیرند. به این ترتیب این بحث از مهم‌ترین و رایج‌ترین بحث‌های اصولی این دوره به شمار رفته، رساله‌های متعددی نیز به صورت مستقل در این مورد نگاشته شده است.

۵ - بحث‌های مربوط به مبادی احکام و مبادی لغوی و به تبع بحث‌های الفاظ اصول در این دوره به تناسب بحث‌های دیگر رشد کرد و از رونق نیفتاد.

۶- در کنار بحث‌های رایج، بحث‌هایی چون قیاس، اجتهاد به رأی، نسخ و نظایر آنها اگرچه مطرح بود اما اهمیتشان به اندازه‌ی بحث‌های پیشین نبود.

۷- دو بحث «تسامح در ادله‌ی سنن» در بحث اخبار، بحث اشتغال، علم اجمالی و فروعات آن و «قاعده‌ی لاضرر» مورد توجه محققان این دوره قرار گرفت (۶۲) و در اصول طرح شد که تا به امروز نیز همچنان در اصول مطرحند.

تبویب رایج دوره

آن چه در این دوره حایز اهمیت است، این که تبویب واحدی از میان کتاب‌های این دوره نمی‌توان سراغ داد؛ زیرا در ابتدای این دوره، محققان اصولی بیشتر مباحث اصولی را به صورت رساله‌های مستقل می‌نگاشتند، مثلاً الفوائد الحائریه مجموعه‌ای از فایده‌های اصولی مستقل است که در کنار هم قرار داده شده است. نیز مجموعه‌ی تک رساله‌های اصولی دیگر محقق بهبهانی که تعداد آن بسیار است همین نکته را نشان می‌دهد. رساله‌های اصولی علامه‌ی بحر العلوم، محقق کاشف الغطاء، سید علی طباطبایی و دیگران نیز به همین صورت است.

افزون بر مطلب فوق، تعدادی از کتاب‌های این دوره نیز شروح کتاب‌های دوره‌ی قبل بودند؛ مانند هدایه‌ی المسترشدین که شرح معالم‌الدین، و المحصول و الوافی که شرح الوافیة فاضل تونی بود.

اما باقی کتاب‌ها که یک دوره‌ی اصول مستقل در آنها مطرح شده بود، به لحاظ تبویب و چینش مباحث با یکدیگر تفاوت‌هایی داشتند. بعضی از آنها؛ مانند تبویب «تجرید الاصول» فاضل نراقی، چندان ساختار منظمی نداشته و بیشتر به مجموعه رسائل مختلف می‌ماند که در کنار هم گرد آمده‌اند.

برخی دیگر هم، چون تبویب میرزای قمی در قوانین و تبویب سید محمد مجاهد در مفاتیح و تبویب صاحب فصول و تبویب صاحب ضوابط، اگر چه به صورت کلی شبیه هم هستند، اما تفاوت‌های زیادی نیز با یکدیگر دارند که با مراجعه به این تبویب‌ها، تمایزهای آنها به آسانی روشن می‌شود.

نگاهی اجمالی به اصول اهل سنت

پیشتر گفتیم که اصول اهل سنت، به دلیل طرح دیدگاه انسداد باب اجتهاد بسیار زود هنگام از رونق نخستین خویش باز ایستاد و اگر چه در دوره های بعد برخی از محققان همچون شهرستانی، سیوطی و... تلاش کردند تا این دیدگاه را منسوخ کنند و باب اجتهاد را بکشایند، اما چندان توفیقی در این راه به دست نیاوردند و نتوانستند اصول اهل سنت را به همان تکامل و رونق نخستین خویش باز گردانند.

آنچه بی تردید می توان ادعا کرد، این است که حتی اگر به اصول عامه نگاه معتدل تری داشته باشیم و معتقد نشویم که اصول آنها به رکود کامل کشیده شده است، (۶۳) اصول فقه شیعه از این دوره به بعد قطعاً قوی تر و متکامل تر از اصول عامه بوده و به یک معنا اصلاً اصول عامه قابل مقایسه با اصول شیعه نیست.

در عین حال برخی از محققان اهل سنت در این دوران کتابهای مختصری در اصول نگاشته اند که کتابهای در خور توجه آن به عدد انگشتان دست نمی رسد. تعدادی از این کتابهای مهم عبارتند از: «ارشاد الفحول إلی تحقیق الحق من علم الاصول» و «القول المفید فی أدلة الاجتهاد و التقليد» اثر محمد بن علی شوکانی (۱۱۷۳ - ۱۲۵۰ هـ) (۶۴)، «رسالة فی دلالة العام علی بعض افراده» تألیف بلیدی (۱۰۹۶ - ۱۱۷۶ هـ) (۶۵) و «اصول الفقه» نگاشته شیخ محمد الخضری (۱۲۱۳ - ۱۲۸۷ هـ) (۶۶).

مزایا و ویژگی های مهم دوره

ویژگی ها و امتیازات این دوره بسیار است که پاره ای از آنها بسیار مهم و کلی تر و برخی دیگر جزئی تر هستند. ما در این جا تنها به چند ویژگی اساسی اشاره می کنیم:

۱. تکامل و رشد دوباره ی اصول فقه:

در این دوره با تلاش محققان دوره؛ به ویژه محقق بهبهانی و شاگردانش اصول فقه از رکود اجباری خارج شد و دوران شکوفایی دوباره اش را آغاز کرد. این بار رشد کمی و کیفی اصول فقه آنچنان کلان بود که دیگر کسی را یارای مقابله و انکار آن نبود. در این دوره پایه های «اصول» تثبیت شد و بسیاری از مباحث با نگرشی نو مطرح شد. به یک معنا اصول فقه امروز میراث واقعی اصولی است که در این دوره پایه های آن بنیان نهاده و بعدها متکامل شده است.

۲. به روز شدن و ضرورت نگارش تک رساله ها:

اصول فقه به اقتضای زمانه از حالت بحث های خشک و رایج و گاه بی ثمر خارج شد و برای مقابله با جریان های موجود در آن دوره که مهم ترین آن اخباری گری بود، جامه ای نو بر تن کرد و از زاویه هایی نو تر به مسایل اصولی نگریده شد؛ لذا محققان این دوره بیشتر به مباحثی می پرداختند که در آن وقت محل بحث و گفت و گو در حوزه های علمی بود؛ به ویژه مباحثی که از سوی جریانهای رایج آن دوره مورد نقد و ابطال قرار می گرفت؛ نظیر بحث اجتهاد، خبر واحد، اصول عملیه (استصحاب و برائت)، ظواهر و اجماع. از این رو در آغاز این دوره سودای نگارش دوره های کامل اصول کمتر در اذهان محققان وجود داشت و لذا پرداختن دقیق

و ژرف به یک مسأله‌ی اصولی و نگاشتن آن به صورت رساله‌ای مستقل بسیار رایج شد؛ مانند تک رساله‌ها یا فوائدی (۶۷) که محقق بهبانی و شاگردان دیگر او نگاشتند. چنین کاری قطعاً به نفع علم است؛ زیرا سبب رشد و بالندگی علم در جهات سودمند و لازم آن می‌شود.

۳. بحث تفصیلی از موارد اختلاف میان تفکر اصولی و اندیشه اخباری‌گری:

از مزیت پیشین نیز این مسأله قابل اصطیاد است که در این دوره به حکم ضرورت مباحثی که بین دو نحله‌ی اصولی و اخباری اختلافی بود، به صورت مبسوط مورد بحث قرار گرفت. مباحثی نظیر حجیت ظنون (حجیت خبر واحد ظنی، حجیت ظواهر کتاب و بحث ظن مطلق و ظن خاص)، دلیل عقلی و حجیت قطع، اجماع، اجرای اصل برائت در شبهات حکمیة تحریمیة و بحث بسیار اساسی اجتهاد (مراد از اجتهاد، شرایط اجتهاد و امکان اجتهاد مطلق و متجزی) نمونه‌هایی از این گونه مباحث هستند که در این دوره به شایستگی مورد تدقیق و تحقیق قرار گرفته‌اند.

۴. طرح پاره‌ای از مباحث نو و ابداعی در علم اصول:

در این دوره پاره‌ای از مباحث اصولی مطرح شد که در دوره‌های پیشین یا سابقه نداشته یا بسیار کم رنگ بوده است؛ نظیر بحث اصول عملیه، التفات اجمالی به تفاوت‌های دلایل اجتهادی و دلایل فقهاتی، بحث حجیت ظن مطلق در مقابل حجیت ظن خاص، به کارگیری «قاعده‌ی قبح عقاب بلاییان» در اثبات برائت عقلی، بحث اشتغال و علم اجمالی و فروع آن، پاره‌ای از مباحث استصحاب و فروع آن، بحث تسامح در ادله‌ی سنن، توجه تفصیلی به قاعده‌ی لاضرر و... .

۵. ورود پاره‌ای مسایل فلسفی در اصول:

اگر چه اصولیان همواره تلاش می‌کردند اصول فقه را از مباحث کلامی، منطقی و فلسفی پیراسته سازند، اما از طرف دیگر پاره‌ای از محققان اصولی همواره خود را در استفاده از قواعد فلسفی و کلامی برای اثبات گزاره‌های اصولی ناگزیر می‌دیدند، از این رو در این دوره نیز پاره‌ای مسایل فلسفی، افزون بر مسایل کلامی، منطقی و فلسفی پیشین، وارد اصول شد که ریشه‌های آن به دوره‌ی قبل و محقق خوانساری باز می‌گردد. (۶۸) مباحثی مانند طلب و اراده، جبر و اختیار که از پیش وجود داشتند و در این دوره مسایلی مانند اعتباری و انتزاعی، (۶۹) عدم صدور واحد از کثیر، (۷۰) اصالت وجود و ماهیت، (۷۱) استحاله‌ی تأخر اجزای علت از معلول، (۷۲) حیثیت تعلیلی و تقییدی (۷۳) و... مطرح شدند.

۶. آغاز جدایی و عدم نظارت بر مباحث اصول اهل سنت:

اصولیان این دوره به دلیل درگیری بسیار با مباحث طرح شده از سوی اخباریان از یک سو، و به دلیل اتهام اخباریان مبنی بر ریشه داشتن اجتهاد و بحث‌های اصولی در میان عامه و بدعت بودن آنها در میان شیعه از سوی دیگر، لازم نمی‌دیدند که در بحث‌های اصولی خویش به مباحث اصول عامه ناظر باشند. به این دو دلیل باید دلیل سومی را نیز اضافه کرد و آن این که اهل سنت در این

دوره‌ها اصول محکم و قابل توجهی نداشتند که بتوان به آن پرداخت. سستی و کم‌اهمیت بودن مباحث اصولی آنان که غالباً نیز برگرفته‌ی تقلیدوار از اصول پیشینیان بود، موجب می‌شد تا محققان اصولی شیعه که بسیار عمیق به مباحث اصول می‌نگریستند و در لایه‌های زیرین هر بحث کاوش می‌کردند، نیازی به نظارت بر اصول اهل سنت نبینند. و همین امر، زمینه‌ی جدایی کامل میان اصول شیعه و اصول عامه در دوره‌های بعد تا به امروز شد و آرام آرام مباحثی که در اصول عامه مطرح و بیشتر در اصول فقه شیعه نیز وارد شده بود، به طور کامل به فراموشی سپرده شد که این نکته خود جای تأمل و دقت بسیار دارد.

۷. تألیف کتاب‌های اصولی مبسوط:

از اواسط این دوره کتاب‌های اصولی بسیار مبسوط و مفصلی نگاشته شد که قطعاً حجم تحقیقات انجام شده در آنها مساوی یا به بیان صحیح‌تر، بیشتر از همه‌ی تحقیقاتی بود که در دوره‌های پیشین انجام شده بود. مطالعه‌ی کتاب‌های قوانین، مفاتیح الاصول، هدایه‌ی المسترشدين و... صدق این ادعا را اثبات می‌کند.

چکیده

۱. میرزای قمی از مهم‌ترین شاگردان اصولی وحید بهبهانی بود که کتاب قوانین او از محکم‌ترین و مهم‌ترین کتاب‌های اصولی این دوره است. وی دارای دیدگاه‌های جدیدی در اصول فقه بود؛ از جمله وی به حجیت ظن مطلق اعتقاد داشت.

۲. محققان این دوره کتاب‌های اصولی بسیاری نگاشته‌اند:

فاضل نراقی «تجرید الاصول» را تألیف کرد. سید محسن اعرجی دو شرح «المحصول» و «الوافی» را بر «الوافیه» فاضل تونی نوشت. علامه‌ی مجاهد کتاب بسیار مفصل «مفاتیح الاصول» را تألیف کرد. شیخ محمد تقی اصفهانی «هدایه‌ی المسترشدين» را نگاشت. شیخ محمد حسین اصفهانی «الفصول الغریبه» را تألیف کرد. و سید ابراهیم قزوینی تقریرات درس شریف العلماء را با عنوان «ضوابط الاصول» تنظیم کرد.

۳. تبویب مباحث اصولی در این دوره در کتاب‌های قوانین، فصول و مفاتیح قابل مشاهده است که تنظیم جدیدی در چینش مباحث اصولی ایجاد کرده‌اند.

۴. اصول اهل سنت در این دوران رونق چندانی نداشت و تنها در حد تقریر مباحث پیشین و شرح آنها بود.

۵. تکامل و رشد دوباره‌ی اصول فقه، به روز شدن مباحث آن، طرح پاره‌ای مباحث نو و ابداعی، عدم نظارت بر اصول عامه و تألیف تک رساله‌های بسیار و کتاب‌های مبسوط اصولی از مهم‌ترین امتیازات این دوره به شمار می‌رود.

په نوشت:

۱. روضات الجنات، ج ۵، صص ۳۷۹ - ۳۶۹.

۲. همان، ص ۳۷۰.

۳. همان.

۴. روضات، صص ۳۷۳ - ۳۷۱؛ مقدمه غنائم الايام، به قلم عباس تبریزیان، ج ۱، صص ۵۰ - ۴۹.

۵. الذریعة، ج ۱۷، ص ۲۰۳.

۶. همان، ج ۱۴، ص ۲۴.

۷. میرزای قمی، القوانین المحکمة، ج ۱، صص ۴۳۹ - ۴۵۲.

۸. فرائد الاصول، ج ۱، ص ۳۶۷ به بعد.

۹. همان، ص ۹.

۱۰. همان، ج ۲، صص ۱۰۲ - ۱۰۰.

۱۱. روضات الجنات، ج ۷، صص ۲۰۲ - ۲۰۱.

۱۲. نک: همان، ص ۲۰۰؛ ریحانة الادب، ج ۶، ص ۱۶۵.

۱۳. فاضل نراقی، تجرید الاصول، صص ۲۱۹ - ۲۱۳.

۱۴. همان، ص ۷۷.

۱۵. روضات الجنات، ج ۶، ص ۱۰۴؛ ریحانة الادب، ج ۵، ص ۲۳۶.

۱۶. همان، صص ۱۰۵ - ۱۰۴؛ و همان، ص ۲۳۷.

۱۷. روضات، همان.

۱۸. ریحانة الادب، همان.

۱۹. وسائل الشیعة فی احکام الشریعة، صص ۷۰ - ۱.

۲۰. نک: کاظمی، الوافی (مخطوط)، ص ۲۹.

۲۱. همان، ص ۱۵۰؛ وسائل الشیعة فی احکام الشریعة، ص ۵۵.

۲۲. الوافی، ص ۲۱۰.

۲۳. به نقل از رسائل شیخ انصاری، ج ۳، ص ۱۲۷.

۲۴. نک: ریحانة الادب، ج ۳، ص ۴۰۱.

۲۵. نک: همان، صص ۴۰۲ - ۴۰۱.

۲۶. مفاتیح الاصول، صص ۴۹ - ۴۵.

۲۷. همان، ص ۴۵۳ و صص ۴۶۵ - ۴۵۹.

۲۸. همان، صص ۶۳۷ - ۶۳۴ و صص ۶۵۳ - ۶۴۷.

۲۹. ریحانة الأدب، ج ۳، ص ۲۱۹.

۳۰. همان.

۳۱. ریحانة الأدب، ج ۳، ص ۳۷۷. (به پاره‌ای از دیدگاه‌های شریف العلماء در ضمن بیان دیدگاه‌های اصولی صاحب ضوابط اشاره می‌کنیم)
۳۲. میرزا محمد تنکابنی، قصص العلماء، ص ۱۱۳.
۳۳. روضات الجنات، ج ۲، ص ۱۲۳.
۳۴. الکرام البررة، صص ۲۱۶ - ۲۱۵.
۳۵. مقدمه‌ی هدایة المسترشدين، به نقل از کتاب «المفصل فی تراجم الاعلام» اثر سیداحمد حسینی، ج ۱، صص ۴۰ - ۳۵.
۳۶. ریحانة الأدب، ج ۳، ص ۴۰۴.
۳۷. ریحانة الأدب، همان؛ الکرام البررة، صص ۲۱۷ - ۲۱۶.
۳۸. مقدمه‌ی هدایة المسترشدين، ص ۴۳، به نقل از صاحب مستدرک.
۳۹. روضات الجنات، ص ۱۲۴.
۴۰. هدایة المسترشدين، ج ۳، صص ۳۷۳ - ۳۷۴.
۴۱. همان، صص ۳۶۸ - ۳۶۵.
۴۲. همان، صص ۵۶۲ - ۵۶۳.
۴۳. همان، ج ۱، صص ۵۹ - ۵۸.
۴۴. نک: فرائد الاصول، ج ۳، ص ۱۲۵.
۴۵. روضات الجنات، ج ۲، ص ۱۲۶؛ ریحانة الأدب، ج ۳، ص ۳۸۰.
۴۶. الکرام البررة، ص ۳۹۱.
۴۷. همان.
۴۸. ریحانة الأدب، همان.
۴۹. مهدی مهریزی، کتابشناسی اصول فقه، ص ۹۴.
۵۰. الفصول الغروية، چاپ سنگی ۴.
۵۱. همان، ص ۳۸۹.
۵۲. همان، ص ۳۱۵.
۵۳. الکرام البررة، همان، ۱۰؛ ریحانة الادب، ج ۳، ص ۳۷۶.
۵۴. همان، ص ۱۱؛ و همان، ص ۳۷۷.
۵۵. نک: الکرام البررة، ص ۱۱.
۵۶. ریحانة الأدب، ص ۳۷۷.
۵۷. ضوابط الاصول، ص ۲۶۶.
۵۸. همان، ص ۳۴۶.

۵۹. نک: رسائل شیخ انصاری، ج ۳، ص ۹.
۶۰. ضوابط الاصول، ص ۳۷۴.
۶۱. توجه شیخ انصاری و شاگردان او به دیدگاه‌های علامه مجاهد حاکی از این تأثیر پذیری است.
۶۲. غالب محققان این دوره؛ مانند علامه‌ی مجاهد، میرزای قمی، صاحب هدایه و صاحب فصول این بحث‌ها را مطرح کرده‌اند.
۶۳. خود محققان اهل سنت معتقدند اصول فقه عامه از قرن ششم و هفتم به بعد، هیچ رشدی نکرده و صرفاً شروحاتی بر حرف‌های گذشتگان است، نک: اصول فقه، شیخ محمد الخضری، ص ۱۱؛ و نیز ابوزهره، اصول الفقه، همان، صص ۱۸ - ۱۷.
۶۴. دکتر شعبان اسماعیل، صص ۵۸۱ - ۵۷۸.
۶۵. همان، ۵۵۲.
۶۶. همان: ۵۹۴.
۶۷. به بخش «شخصیت‌های دوره و آثار اصولی آنها» نگاه کنید.
۶۸. المعالم الجدیدة، صص ۱۰۸ - ۱۰۶؛ فقه و فقها، ص ۳۳۴.
۶۹. در بحث حکم وضعی.
۷۰. در بحث واجب تخییری.
۷۱. در تعلق امر به طبیعت یا فرد در بحث اجتماع امر و نهی.
۷۲. در شرط متأخر.
۷۳. در بحث اجتماع امر و نهی و مقدمه واجب.

فصل هشتم

نگاهی

به عصر حاضر

مهم ترین مباحث فصل:

- ✓ مقدمه
- ✓ نگاهی به شخصیت های اصلی در عصر حاضر
- ✓ بررسی کاستی های اصول معاصر
- ✓ تبیین ویژگی ها و مؤلفه های بایسته اصول معاصر
- ✓ نگاهی به اصول اهل سنت

مقدمه

اصول فقه در حوزه های علمی امروز، همان اصول مکتب شیخ انصاری رحمه الله است. آنچه پس از اعلام ثلاثه در اصول مشاهده شد، دقیقا ادامه ی راهی بود که آنان آن را فراخ و هموار کرده بودند. اگر چه محققان این دوره تلاش های بسیاری در تجدید و تبیین تازه تر مبانی و مباحث اصول کرده اند و گاه هم به لحاظ ساختاری و هم به جهت محتوایی نوآوری هایی نیز داشته اند، اما در عین حال از بهره مندان خوان گسترده ی اصولیان پیشین به شمار می روند و نمی توان کار آنها را جدا و بریده از مدرسه ی اصولی شیخ انصاری بررسی و تحلیل کرد.

با توجه به نکته ی فوق، تنها انگیزه های که باعث شد به بررسی مستقل این چند دهه بپردازیم، همزمانی ما با این دوره و احساس ضرورتی است که برای بازسازی در ساختار و محتوای اصول فقه متناسب با زمان در خود می یابیم. از این رو، با بررسی کار محققان گراقدر معاصر می توانیم تقاطق قوت و ضعف کار آنان را بشناسیم و با رفع کاستی ها گره ها را یکی پس از دیگری گشوده و در ارایه ی اصولی شایسته و متناسب با زمان موفق باشیم. بنابر این در این درس به عنوان درس پایانی، نخست با تلاش چند تن از شاخص ترین محققان این دوره؛ مانند امام خمینی و شهید صدر که به قصد تحوّل علم اصول به کوشش های علمی و تحقیقات ارزنده ای در این علم پرداختند، آشنا شده و آن را تحلیل می کنیم. آنگاه با بررسی و نقد دقیق کاستی های کار محققان مذکور به بایسته های این حوزه به عنوان ضرورت های تحوّل و ایجاد مکتب نوین متناسب با زمان اشاره می کنیم. به بیان دیگر، در بخشی از این درس با ادامه ی تلاش های محققان مکتب شیخ انصاری آشنا می شویم و روند رشد اصول را در آن پی می گیریم، و در بخشی دیگر با جدا شدن از مکتب شیخ، به بررسی اندیشه ی تأسیس مکتب اصولی جدید می پردازیم و در این بخش کار اصولیانی؛ مانند امام خمینی، آیت الله خویی و شهید صدر را به عنوان پیشگامان این تجدید بنا یا تحکیم بنا مورد بررسی قرار داده و به تقد آن پرداخته و کاستی هایش را بر می شماریم تا از این طریق رهیافتی به سوی حرکت صحیح و کم خطا برای تأسیس مکتب تازه داشته باشیم. در ادامه چند بحث زیر را پی می گیریم:

۱. بررسی اندیشه های اصولی و نوآوری های چند شخصیت معاصر.
۲. نگاهی به اصول حاضر، به عنوان ادامه ی مکتب شیخ و اشاره به پاره ای ضعف های آن.
۳. نگاهی دوباره به کار محققان معاصر و بررسی کاستی های تلاش آنان در رسیدن به اصول مطلوب.
۴. ضرورت پیدایش علم اصول مطلوب و متناسب با زمان و راه های دستیابی به آن.

نگاهی به اندیشه ها و آثار اصولی چند محقق اصولی معاصر

۱. آیت الله سید ابوالقاسم خویی (۱۳۱۷ - ۱۴۱۳ هـ)

آیت الله سید ابوالقاسم خویی فرزند سید علی اکبر در سال ۱۳۱۷ هجری در شهر خوی از توابع آذربایجان متولد شد. وی در سال ۱۳۳۰ هجری همراه با خانواده به نجف اشرف وارد شد و دروس حوزوی را آغاز کرد. مقدمات؛ یعنی ادبیات عرب و منطق و شروع فقه و اصول را نزد استادان مختلفی که مهم ترین آنها پدرش بود خواند. مرحوم خویی پس از گذراندن دوره ی متوسط فقه و

اصول به درس خارج راه یافت و نزد استادان بزرگی؛ مانند محقق اصفهانی و میرزای نایینی درس خواند و پس از سالها تلاش به مقام بلند علمی و اجتهاد دست یافت. محقق خوبی به تدریج به شهرت علمی بالایی رسید و مجلس درس او بسیار شلوغ و گرم شد و عده‌ی زیادی از فضلای جوان و خوش استعداد آن روز حوزه‌ی نجف به حوزه‌ی درس او می‌رفتند. یکی از مهم‌ترین دلایل شلوغی درس مرحوم خوبی، افزون بر قوت علمی، زیبایی و قدرت بیان و قدرت نظام‌دهی او به مباحث بود (۱). سرانجام مرحوم خوبی با رحلت استادان بزرگ نجف و پس از وفات مرحوم حکیم، یگانه استاد مبرز حوزه‌ی نجف به شمار می‌رفت و به مقام مرجعیت نایل شد و سالها حوزه‌ی آن دیار را به خوبی اداره کرد. وی سرانجام در هشت صفر ۱۴۱۳ هجری در شهر کوفه وفات یافت و در صحن علوی در اتاق مابین صحن و مسجد خضراء به خاک سپرده شد. (۲)

مرحوم خوبی نزد استادان بزرگی تحصیل کرده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از (۳):

- علامه شیخ الشریعه اصفهانی که استاد فقه مرحوم خوبی بود.
- آیت الله شیخ مهدی مازندرانی که از استادان مبرز آن دوره بود.
- آیت الله نایینی که مهم‌ترین استاد مرحوم خوبی در فقه و اصول بود. آیت‌الله خوبی یک دوره‌ی کامل در درس اصول میرزای نایینی شرکت کرد.

- علامه محقق محمد حسین اصفهانی که در شمار بهترین استادان مرحوم خوبی بود که وی یک دوره‌ی کامل در درس اصول محقق اصفهانی شرکت جست.

- مرحوم آغا ضیاء عراقی، از استادان قوی حوزه‌ی نجف که مرحوم خوبی از او استفاده برده است.
شاگردان مرحوم خوبی، نیز بی‌شمار بودند. ویژگی‌های بسیار خوب درس ایشان، همگان را به این درس جذب می‌کرد. از این رو عده‌ی بسیاری از محققان فعلی که در حوزه‌ی نجف درس خوانده‌اند، از حوزه‌ی درس او بهره‌های بسیار برده‌اند و تربیت شده مکتب او هستند. در این مجال، امکان شماره‌ی همه‌ی آنها نیست و تنها به چند نفر اشاره می‌کنیم (۴):
- علامه‌ی محقق و شهید بزرگ آیت الله سید محمد باقر صدر رحمه‌الله .

- آیت الله شیخ محمد تقی بهجت - رحمه‌الله علیه - که پس از استاد خویش مرحوم اصفهانی، چند سالی در درس آیت الله خوبی شرکت کرد.

- علامه محمدتقی جعفری، فیلسوف و عالم بزرگ معاصر.
- آیت الله شیخ کاظم تبریزی فقیه محقق و متتبع که آثار بسیاری تألیف کرده است اما هیچ یک چاپ نشده‌اند.
- آیت الله شیخ مرتضی نجفی بروجردی که تقریر درس فقه آقای خوبی را با عنوان «مستند العروة الوثقی» نگاشته است.
- آیت الله شیخ حسن صافی اصفهانی که تقریر درس اصول آقای خوبی را نوشته که با عنوان «الهدایة فی الاصول» منتشر شده است.

- و

محقق خوبی کتاب‌های زیادی تألیف کرده است که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم (۵):

۱- البیان فی تفسیر القرآن، که تنها یک جلد آن نوشته و چاپ شده است.

۲ - اجود التقریرات، تقریر در اصول میرزای نایینی.

۳ - تعلیقه بر عروۃ الوثقی.

۴ - رساله‌ای در لباس مشکوک.

۵ - تکملة منهاج الصالحین.

۶ - معجم رجال الحدیث، که موسوعه‌ای ارزشمند در علم رجال است و در ۲۴ جلد چاپ شده است.

افزون بر نوشته‌های خود محقق خوبی، بسیاری از شاگردان او نیز تقریر در س‌های فقه و اصول او را نگاشته‌اند که پاره‌ای از آنها چاپ شده است؛ مانند «التنقیح» تألیف حاج میرزا علی غروی تبریزی که شامل مباحث اجتهاد و تقلید، طهارت و صلات است. و «مستند العروۃ الوثقی» نوشته‌ی شیخ مرتضی بروجردی و «مصباح الفقاهه» تألیف شیخ محمد علی توحیدی. (۶)

آثار اصولی مرحوم خوبی

تنها اثری که مرحوم خوبی با قلم خود دیدگاه‌های اصولی‌اش را در آن نگاشته، تعلیقاتی است که وی بر «اجود التقریرات» نوشته است (۷). جز این «تعلیقات» آرای مرحوم خوبی در اصول از سوی شاگردانش تقریر شده و تاکنون چندین تقریر از درس اصول محقق خوبی چاپ شده است که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم (۸):

۱ - «محاضرات فی اصول الفقه» تألیف شیخ محمد اسحاق فیاض که در ۵ جلد چاپ شده است که تنها بخش الفاظ اصول را دربر دارد.

۲ - «مصباح الاصول» نگارش سید سرور بهسودی که در ۳ جلد منتشر شده است.

۳ - «مبانی الاستنباط» نوشته سید ابوالقاسم کوبی تبریزی که در ۴ جلد چاپ شده است.

۴ - «مصابیح الاصول» نگارش سید علاءالدین بحر العلوم که تنها یک جلد آن، شامل نیمی از مباحث الفاظ، چاپ شده است.

۵ - «دراسات فی الاصول» نوشته سید علی شاهرودی که یک دوره‌ی کامل اصول و در چهار جلد منتشر شده است.

۶ - «الهدایة فی الاصول» نگاشته‌ی شیخ حسن صافی که یک دوره‌ی کامل اصول و در چهار جلد منتشر شده است.

نگاهی به اندیشه‌های اصولی علامه خوبی

مرحوم خوبی در تفسیر و تبیین مبانی اصول فقه بسیار موفق بوده است. وی مباحث را دسته بندی شده و کاملاً منقح ارائه می‌کرد که حکایت از تسلط بالای او بر این علم دارد. در این جا به چند دیدگاه اصولی او اشاره می‌کنیم:

۱ - محقق خوبی در بحث کیفیت معنا دهی و دلالت الفاظ به «نظریه‌ی تعهد» معتقد است. این دیدگاه اگرچه بر خلاف مشهور است، اما پیش از مرحوم خوبی از سوی محققانی؛ مانند ملا علی نهاوندی (۹) و شاگردان ایشان نظیر ابوالمجد اصفهانی (۱۰) و علامه حائری یزدی (۱۱) مطرح شده بود و محقق خوبی در این بحث از محققان اصولی مذکور پیروی کرده است. اجمالاً مراد از این نظریه بیان همراهی و تلازم میان واژه‌های معین و معنای ویژه‌ی آن به نحو یک قضیه‌ی شرطی است که خردمندان جامعه در گذر تاریخ بدان تعهد کرده و پای بند می‌شوند.

این قضیه‌ی شرطی دو سوی دارد: یکی بر زبان آوردن لفظ و دیگری قصد فهماندن معنا. بر این اساس هیچ انگیزه‌ی دیگری برای گفتار، جز فهماندن معنا در میان نیست. بنابر این نظریه، اولاً: همواره دلالتی که از چنین وضعی بر می‌آید دلالت تصدیقی است و دلالت تصویری میان لفظ و معنای آن از وضع به معنای یاد شده سرچشمه نمی‌گیرد. ثانیاً: هر یک از استعمال کنندگان الفاظ، خود به راستی واضح خواهند بود (۱۲).

۲_ از دیدگاه مشهور، شهرت فتوایی تنها در جایی می‌تواند ضعف سند روایتی را جبران کند، یا روایت صحیحی را از اعتبار دور سازد که شهرت فتوایی از سوی فقیهان پیشین باشد، کسانی که روزگارشان به زمان یاران امامان علیهم‌السلام و راویان نخستین نزدیک است و نه فقیهان متأخر که شهرت فتوایی میان آنان ارزشی ندارد.

مرحوم آقای خویی این دیدگاه را قبول ندارد. از نظر ایشان شهرت فتوایی در هیچ فرضی حجت نیست، حتی شهرت فتوای در نزد قدما؛ زیرا اولاً: ما هیچ راهی نداریم تا دریابیم که فقیهان گذشته در مسأله‌ای فقهی روایت معتبری را کنار گذاشته‌اند یا به روایت ضعیفی استناد جسته‌اند. تنها چیزی که ما مشاهده می‌کنیم مطابقت فتوایی از آنان با یک خبر ضعیف است و به صرف مطابقت مذکور نمی‌توان نتیجه گرفت که مستند فتوای مذکور این خبر ضعیف بوده است، چون احتمال دارد که مستند دیگری داشته که بر آن اساس این حکم یا فتوا را داده‌اند. و ثانیاً: طبق فرضی، ثابت است که فتوای مشهور به خودی خود حجت نیست، همچنین، طبق فرضی، ثابت است که خبر ضعیف حجت نیست. و روشن است که از انضمام غیر حجت به غیر حجت دیگری، حجت پدید نمی‌آید. افزون بر این که عمل مشهور به روایت ضعیف نشانه‌ی توفیق عملی راوی آن مشهور بر اساس رأی و نظر اجتهادی خویش به صدق خبر و مطابق با واقع بودن آن علم و اطمینان حاصل کردند نه از باب ثقة بودن خبر یا روای آن، که در این صورت باز هم ضعف سند بر طرف نمی‌شود. (۱۳).

۳_ در بحث «استصحاب» آیت الله خویی بر این باور است که این قاعده حتی اگر بر اساس روایات اثبات شود، یک اماره است و نه اصل عملی. البته اماره بودن استصحاب در طول دیگر امارات است و نه در عرض آنها و از همین رو است که دیگر امارات بر استصحاب پیشی می‌گیرند. این دیدگاه مرحوم خویی بر پایه‌ی این نکته باریک است که بر آیند دلیل‌های حجت بودن استصحاب، تعبّد به پابرجایی یقین پیشین در حالت شک است و نه تعبّد به عمل به یقین در زمان شک، و میان این دو تعبیر تفاوت بسیاری است؛ اولی، جایگاه استصحاب را همان اماره بودن می‌داند، و دومی اصل عملی بودن آن را ثابت می‌کند. اما استصحاب به این دلیل ناتوان‌ترین امارات است که تعبّد به پابرجایی یقین در زمان شک تعبّدی عملی و کاربردی است و هیچ‌گونه گزارش‌گری و واقع‌نمایی در آن نیست (۱۴).

۴. مرحوم خویی برخلاف دیدگاه مشهور اصولیان متأخر، معتقد است که استصحاب تنها در شبهات موضوعیه جاری و حجت است اما در شبهات حکمیه این استصحاب همواره درگیر با استصحاب «عدم جعل حکم گسترده و فراگیر» می‌باشد و این ناسازگاری، حجت نبودن استصحاب را در شبهه‌های حکمی در پی دارد (۱۵).

۲. امام خمینی (۱۳۲۰ - ۱۴۱۰ هـ)

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران آیت الله سید روح الله موسوی خمینی فرزند سید مصطفی در سال ۱۳۲۰ هجری قمری در

شهرستان خمین از توابع استان مرکزی به دنیا آمد. پدر او سید مصطفی شاگرد میرزای شیرازی بود که پس از اجتهاد به ایران بازگشت و در کنار تدریس به امور شرعی مردم و حل مشکلات آنان پرداخت. وی تنها پنج ماه پس از تولد روح الله زنده بود و آنگاه توسط خوانین آن دیار به شهادت رسید.

مرحوم امام دروس مقدمات حوزه را نزد استادانی؛ چون میرزا محمود افتخار العلماء و آیت الله سید مرتضی پسنیدیه (برادر بزرگترش) فرا گرفت و در سال ۱۲۹۸ شمسی به حوزه علمی اراک وارد شد تا نزد عالم بزرگ آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی شاگردی کند که با انتقال حوزه اراک به شهر مقدس قم و هجرت آیت الله حائری به قم در سال ۱۳۰۰ شمسی، مرحوم امام نیز بلافاصله عازم قم و به استاد ملحق گشت.

امام خمینی دروس سطح را نزد اساتیدی، مانند آیت الله سید محمد تقی خوانساری و آیت الله سید علی یشربی کاشانی خواند. امام سالها در درس خارج فقه و اصول مرحوم حائری شرکت کرد و بهره های علمی فراوانی برد و به مقام والای اجتهاد نایل گشت.

امام خمینی افزون بر فقه و اصول، در فلسفه، عرفان و هیئت نیز به تحصیل و تحقیق پرداخت. وی فلسفه و هیأت را نزد بزرگانی چون؛ مرحوم رفیعی قزوینی و آقا میرزا علی اکبر حکمی یزدی فرا گرفت و عرفان را نزد آیه الله شاه آبادی خواند. و پس از مدتی به عالی ترین مراحل علمی رسید و از مدرسان عالی مقام به شمار می رفت. امام در دوران جوانی بیشتر به تدریس فلسفه و تحقیق در عرفان پرداخت و در میانسالی و تنها زمانی که احساس کرد حوزه علمی قم در عرصه فقه و اصول دچار خلأ شده و نیاز به کار دارد، وارد این عرصه شد و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت و شاگردان بسیاری تربیت کرد و آثار بسیاری در این زمینه نگاشت. مرحوم امام که عالمی با درایت و سیاستمدار بود، در مقابل انحرافات رژیم گذشته همواره به افشاگری پرداخته و آنها را زیر سؤال می برد که رژیم بارها او را دستگیر و حبس کرد، اما نتوانست آن عالم شجاع و خستگی ناپذیر را ساکت کند و سرانجام او را به ترکیه تبعید کرد و به مدت یک سال وانندی در آنجا ماند و به عراق روانه شد و به مدت نزدیک به پانزده سال در حوزه علمی نجف تبعید گشت. مرحوم امام در این حوزه نیز به تدریس و تحقیق مشغول شد و حوزه ای درس پرشور و حرارتی را تشکیل داد. امام خمینی در طول آن مدت، مبارزات سیاسی اش را فراموش نکرد. ایشان سرانجام پس از شهادت آیت الله سید مصطفی خمینی، فرزند ارشدش، در سال ۱۳۵۶، با تحت فشار قرار گرفتن از سوی حاکمان خائن عراق، مجبور به ترک این کشور و رفتن به فرانسه شد و پس از چند ماه اقامت در فرانسه، توانست انقلاب بزرگ ایران را با رهبری های حکیمانه اش به پیروزی برساند. امام سرانجام پس از پانزده سال غربت و تبعید، در دوازدهم بهمن سال ۱۳۵۷ شمسی به ایران بازگشت و تنها ده روز بعد در ۲۲ بهمن انقلاب اسلامی پیروز شد. امام پس از پیروزی انقلاب این کشتی عظیم را به مدت ده سال با تمام سختی ها و رنج هایش به خوبی اداره کرد و سرانجام در ساعت ۲۰:۲۲ بعد از ظهر روز شنبه سیزدهم خرداد ماه سال ۱۳۶۸ شمسی به دیار ابدی و لقای محبوب شتافت. (۱۶)

بی تردید امام خمینی عالمی بزرگ و بی بدیل در تاریخ اسلام است. کارهایی که او در زمینه های مختلف علمی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در سطح جهانی انجام داده است، آن قدر بزرگ و توصیف ناشدنی است که هر یک از آنها به تنهایی برای اشتهاار جهانی یک فرد و تعظیم قلبی او کافی است. از این رو جا دارد در ابعاد مختلف زندگی این مرد بزرگ و اندیشه های او به تحقیق و مطالعه ای جدی پرداخت و او را هر چه بهتر شناخت و چونان الگویی بزرگ به جهانیان و به ویژه مسلمانان معرفی کرد.

امام در کنار همه‌ی ابعاد وجودیش، از جهت علمی بسیار قوی بود. وی را باید فیلسوفی بزرگ، عارفی ژرف کاو، فقیهی روشن و اصولی نوآور و صاحب اندیشه به شمار آورد. امام ذوقی لطیف داشت و شعر هم می‌گفت. دیوان اشعار و غزلیات او خواندنی است. امام خمینی شاگردان بسیاری؛ همچون آیت الله شهید مطهری، شهید دکتر بهشتی و ... تربیت کرد که پاره‌ای از آنان، هم اینک از بزرگان و محققان حوزه به شمار می‌روند.

امام خمینی (ره) آثار بسیار متنوعی دارد که اکثرشان مهم و اساسی‌اند. پاره‌ای از آثار علمی امام به شرح زیر است (۱۷):

۱. «شرح دعای سحر» که در سال ۱۳۴۷ برای نخستین بار چاپ شده و حاوی نکات عمیق عرفانی است.
۲. «مصباح الهدایة إلى الخلافة والولاية» که در سن ۲۸ سالگی امام آن را به پایان برده است. این کتاب یکی از کتاب‌های ارزشمند در عرفان اسلامی است.
۳. «شرح چهل حدیث» که بارها چاپ شده و شامل شرح، تبیین و تحلیل چهل حدیث عمیق اخلاقی است.
۴. «سر الصلاة» در بیان اسرار عرفانی و معنوی نماز که امام آن را در سال ۱۳۵۸ قمری نگاشته است.
۵. «حاشیه بر اسفار» که چاپ نشده است.
۶. «انوار الهدایة» تعلیقه بر کفایة الاصول آخوند خراسانی.
۷. «کتاب الطهارة» در فقه که در چهار جلد چاپ شده است.
۸. «مکاسب محرمة» که در دو جلد چاپ شده است.
۹. «کتاب البیع» در ۵ جلد.
۱۰. «تحریر الوسیلة» در دو جلد که حاوی فتاوی امام خمینی به زبان عربی است.
۱۱. دیوان اشعار.

آثار اصولی امام خمینی

امام خمینی بر اصول فقه تسلط بسیاری داشت و چندین دوره مباحث اصول را به صورت اجتهادی درس گفت. و در طول این مدت چندین اثر اصولی نیز تألیف کرد که عبارتند از:

۱. «انوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفایة» که حاشیه‌ای انتقادی بر بخش دوم کفایة الاصول مرحوم آخوند می‌باشد و در سال ۱۳۷۲ شمسی در دو جلد چاپ شده است.
۲. «مناهج الوصول» که مربوط به مباحث بخش اول اصول است و در سال ۱۳۷۲ شمسی در دو جلد چاپ شده است.
۳. «الرسائل» مجموعه‌ای است شامل مباحث «استصحاب»، «قاعده‌ی تجاوز و فراغ»، «تعادل و تراجیح» و «اجتهاد و تقلید» که امام خمینی در سال ۱۳۷۰ قمری آن را نگاشته است. اخیراً این مباحث از سوی مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام به صورت رساله‌های مستقلی چاپ شده است.

۴. رساله‌ای در «فروع علم اجمالی» که هنوز چاپ نشده است (۱۸).

۵. «رساله‌ای در موضوع علم اصول» که هنوز چاپ نشده است (۱۹).

۶. تقریرات درس اصول آیت الله بروجردی که اخیراً با عنوان «لمحات الاصول» چاپ شده است.

افزون بر آن چه خود مرحوم امام در اصول نوشته است، تعداد زیادی از شاگردان او نیز تقریر درس اصول او را نگاشته‌اند که برخی از آنها عبارتند از:

۱- «تهذیب الاصول» نگارش آیت الله شیخ جعفر سبحانی که در دو جلد و در زمان حیات امام قدس سره چاپ شده است.

۲- «جواهر الاصول» نوشته‌ی آیت الله سید محمد حسن مرتضوی لنگرودی که تاکنون دو جلد آن از سوی مؤسسه‌ی نشر آثار امام چاپ شده است.

۳- «معتمد الاصول» نگاشته‌ی آیت الله فاضل لنکرانی که در دو جلد از سوی مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام چاپ شده است و از مقدمه‌ی واجب تا آخر اصول را در بر دارد.

۴- «تنقیح الاصول» نگارش شیخ حسین تقوی اشتهاردی که در چهار جلد از سوی مؤسسه‌ی نشر آثار امام چاپ شده است و یک دوره‌ی کامل اصول امام را شامل می‌شود.

نگاهی به آرا و اندیشه‌های اصولی امام

امام خمینی جهت تکامل و پیشرفت اصول فقه و رسیدن آن به حدّ مطلوب تلاش‌های زیادی کرد. برخی از این تلاش‌ها منجر به تحولات صوری و شکلی در اصول فقه شد و پاره‌ای از آنها نیز تحولات محتوایی و حلّ پاره‌ای از معضلات اصولی را در پی داشت. در این جا به چند مورد از این کارها اشاره می‌کنیم:

۱- یکی از کارهای مهمّ امام خمینی، تأکید و تلاش بسیار برای پیراستن اصول از مباحث زائد و کم فایده‌ای است که صرفاً احتمالات عقلی دارد و موجب تقویت ذهن می‌شود. ایشان به حدّی به این امر اهتمام داشت که به مناسبت‌های مختلف و در موارد متعدّدی به این امر اشاره می‌کرد (۲۰) و خود نیز عملاً در پیراستن اصول از این گونه مباحث کوشش می‌کرد. شاگردان امام خمینی نیز غالباً بر این امر پای می‌فشردند. امام و شاگردانش در وصول به این هدف در دو محور حذف مباحث زاید و تلخیص مباحث کم فایده تلاش می‌کردند. از این رو، مباحثی؛ مانند تعریف‌ها در مسایل اصول، حقیقت شرعیّه، مقدمه‌ی واجب، ضدّه، دوران امر بین تخصیص و نسخ، انسداد باب علم و... را بی‌ثمر و زاید می‌خواندند و بعضی از این مباحث را به طور کلی حذف کرده و برخی دیگر را تنها به اختصار مورد اشاره قرار داده‌اند. سرانجام این کار موجب تحوّل کمی و لاغر شدن اصول فریبی شد که به زعم اینان پُر از مباحث زاید و کم فایده بود.

۲- یکی از دغدغه‌های اساسی امام خمینی؛ به ویژه بعد از تشکیل حکومت اسلامی و احساس ضرورت‌های مربوط به آن، کافی نبودن روش اجتهادی مصطلح در حوزه‌ها بود (۲۱). ایشان در موارد بسیاری تصریح کرده است که این روش گره از مشکلات جامعه و حلّ معضلات استنباط‌های فقهی در زمینه‌های مختلف حکومتی و اجتماعی نمی‌گشاید (۲۲) و خود آن مرحوم در مواردی به پاره‌ای راه‌ها نیز اشاره کرده است؛ مانند تأثیر دو عنصر زمان و مکان در اجتهاد (۲۳)، اما ایشان فرصت انجام این تحوّل شگرف

را نیافت. در هر حال تردیدی نیست که برای ایجاد آن تحوّل اساسی و رسیدن به روش اجتهادی مطلوب در کنار همهی تغییرات و تحولات بنیادینی که باید در رشته‌های مختلف مورد نیاز ایجاد کرد، در اصول فقه نیز به عنوان مهم‌ترین ابزار اجتهاد باید تغییرها و تحوّل‌های اساسی ایجاد نمود که گونه‌ای از آنها را خود ایشان در دوران تدریس و تحقیق انجام داده است که عبارت از تحوّل کمی و پیراستن اصول از زواید و مباحث کم فایده باشد.

۳- یکی از دیدگاه‌های اساسی امام خمینی در اصول که در موارد بسیاری کاربرد داشته و معضلات چندی را حل می‌کند، «نظریه‌ی خطاب‌های قانونی» است. بی‌شک افتخار طرح چنین دیدگاهی به شکل گسترده و مبسوط، که برخی از آن به «اصل اصیل» تعبیر کرده‌اند (۲۴)، از آن امام است.

در توضیح این مطلب باید گفت: خطاب‌ها معمولاً به دو شکل «خطاب‌های شخصی و جزئی» و «خطاب‌های کلی» یافت می‌شوند. مشهور در خطاب‌های کلی بر این باور است که آنها به خطاب‌های شخصی متعدّد منحل می‌شوند، اما از نظرگاه امام خمینی احکام و خطاب‌های کلی به خطاب‌های فراوان شخصی به شمار هر فردی از مکلف منحل نمی‌شود تا لازم باشد بحث از شرایط و کیفیت این انحلال و چگونگی رعایت شرط‌های خطاب شخصی در آن، که موجب بروز مشکلات جدی در چندین بحث اصولی مربوط می‌شود که قایلان به انحلال با آن مواجهند، حال آن که طبق دیدگاه امام خمینی که احکام کلی به نحو خطاب‌های قانونی جعل می‌شوند، این مشکلات به آسانی قابل حل است.

در خطاب‌های شخصی به شمار هر فردی از مخاطبان، خطابی مستقل و جداگانه وجود دارد، ولی در خطاب‌های قانونی، خطاب یکی است و مخاطب‌ها بی شمارند. امام خمینی در شرح خطاب‌های قانونی می‌گوید:

«بحث گاهی در امرهای شخصی است؛ مانند فرمان خداند به ابراهیم خلیل و گاه در امرهای کلی و قانونی است. در بخش نخست، چون غرض از امر، پدید آوردن انگیزه در طرف خطاب است، باید مخاطب دارای شرایط لازم؛ چون علم، قدرت و... باشد و گرنه امر به او امکان ندارد. ولی در امرهای قانونی و کلی چنین نیست؛ زیرا هدف نهایی آن نیست که همهی افراد بر انگیزانده شوند و به سوی تکلیف حرکت کنند، بلکه هدف قانونگذاری است. طبیعی است گروهی به این قانون گردن می‌نهند و گروهی با آن مخالفت می‌کنند. در هر صورت، این گونه امر و خطاب، لغو و بیهوده نخواهد بود؛ زیرا فرمان‌های قانونی از سنخ تشریح‌های مستقل نیستند» (۲۵).

در خطاب‌های قانونی این امکان وجود دارد که بتوان همهی مکلفان را با تمام حالت‌ها و ویژگی‌ها مورد خطاب واحد قرار داد و این نوع از خطاب ناپسند نیست؛ زیرا قانون باید در قانونگذاری شرع بی اثر نباشد. آن گاه که اثر آن در طول زمان روشن باشد یا احتمال آن اثر وجود داشته باشد، این اراده تشریحی و قانونی انجام گرفته و بی اشکال است.

نظریه‌ی «خطاب‌های قانونی» چون کلیدی به دست امام است که معضلات فراوانی را در مباحث اصول؛ مانند بحث ضد (۲۶)، فراگیری خطاب‌های قرآن (۲۷)، تفسیر حدیث رفع در برائت (۲۸)، پاره‌ای از موارد علم اجمالی (۲۹) و... با آن حل می‌کند (۳۰).

۳. علامه شهید سید محمد باقر صدر (۱۳۵۳ - ۱۴۰۰ هـ)

استاد شهید سید محمد باقر صدر در سال ۱۳۵۳ هجری در کاظمین متولد شد. پدرش سید حیدر صدر فرزند سید اسماعیل صدر بود که از مهم ترین شاگردان میرزای شیرازی به شمار می رفت و مجدد شیرازی در اواخر مرجعیت درشش را به او سپرده بود، و ظاهراً مجلس درس سید اسماعیل صدر در سامرا از مجلس درس سید محمد فشارکی و سید محمد تقی شیرازی شلوغ تر و گرم تر بوده است، و افرادی مانند میرزای نایینی سالها نزد او شاگردی کرده اند. جد شهید صدر، مرحوم سید صدر بود که او نیز از مراجع بزرگ تقلید بود و بزرگانی؛ مانند شیخ انصاری و میرزای شیرازی نزد او درس خوانده اند. پدر شهید صدر، مرحوم سید حیدر صدر نیز عالمی مجتهد و با تقوا و زاهد بود که در اوایل میان سالی در گذشت. در آن هنگام شهید صدر تنها ۶ سال داشت (۳۱). شهید صدر در اوان کودکی درس های حوزه را آغاز کرد و در ابتدای نوجوانی به درس خارج راه یافت. وی تنها پیش از بلوغ از دایی خود شیخ محمد رضا آل یاسین تقلید کرده است، اما پس از بلوغ هرگز از کسی تقلید نکرد. شهید صدر بیش از همه نزد مرحوم آل یاسین و آیه الله خویی شاگردی کرد و به زودی به مراحل عالی کمال و اجتهاد دست یافت. شهید صدر در اوج جوانی - در سنی نزدیک به ۲۶ سالگی - تدریس درس خارج اصول را آغاز کرد و در حدود ۲۹ سالگی خارج فقه را نیز شروع کرد. مرحوم شهید صدر یک دوره و نیم خارج اصول گفته است (۳۲).

بی شک شهید صدر نابغه ای از نوابغ جهان اسلام است. وی در اوج جوانی مجتهدی قوی پنجه و در سی و چند سالگی چونان فقیهی بزرگ بر مبانی فقهی کاملاً مسلط بود. در فلسفه، کلام و منطق نیز دستی توانا داشت و با فلسفه غرب آشنا بود. شهید صدر بحث های تاریخی - تحلیلی نیز داشته است و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران کتابی در تبیین شؤون مختلف اسلامی با عنوان «اسلام راهبر زندگی» نگاشت. شهید صدر در کنار چنین عظمت علمی، روحی بلند و اخلاقی والا داشته است، نسبت به دوستان و شاگردان مهربان و مشفق بود و در مقابل ظالمان و دشمنان دین چون شیر غرنده عمل می کرد (۳۳).

آثار و اندیشه های شهید صدر از دقت فوق العاده و ژرفایی بی مانند بر خوردار است. وی کوشیده است در هر علمی که وارد می شود، افق های جدیدی به روی محققان بگشاید و با طرح نظریه های نوین، به حل معضلات و مشکلات بنیادین آن علم بپردازد و حقاً در این راه موفقیت بسیاری یافته است. در منطق با طرح دیدگاه تازه ای در استقرار و حل مشکل معرفت زایی آن به روش حساب احتمالات به رشد این علم کمک کرد، و خود نیز از این مبنا در بسیاری از بحث های اصولی بهره گرفت. در فلسفه و اقتصاد اسلامی نیز مبانی جدیدی ارائه کرد، و بیش از همه در اصول فقه نوآوری های عظیمی داشته است.

شهید صدر شاگردان بسیاری تربیت کرده که برخی از آنها به درجات بالای علمی دست یافته اند و هم اینک راه استاد خویش را ادامه می دهند و در شرح و تبیین دقیق آرا و اندیشه های او می کوشند.

علامه شهید سید محمد باقر صدر که عالمی شجاع و انقلابی نیز بود، با الهام از تفکرات انقلابی مرحوم امام قدس سره علیه حکومت ظالم عراق قیام کرد که سرانجام از سوی حاکمان جبار عراق دستگیر و پس از مرارت ها و شکنجه های بسیار در جمادی الاولی سال ۱۴۰۰ هجری به شهادت رسید (۳۴).

نوشته های شهید صدر تنوع خاصی دارد و حکایت از تسلط او به رشته های گوناگون می کند. تعدادی از تألیفات او به شرح زیر است (۳۵):

- ۱- «فدک در تاریخ» که در سال ۱۳۷۴ ه ق قمری چاپ شده است.
- ۲- «فلسفتنا» که در تاریخ ۱۳۷۹ ه ق منتشر شده است.
- ۳- «اقتصادنا» این کتاب در سال ۱۳۸۱ ه ق چاپ شده است.
- ۴- بانک بی ربا در اسلام.
- ۵- «الأسس المنطقية للاستقراء» که در سال ۱۳۹۱ ه ق چاپ شده است.
- ۶- المعالم الجديدة در اصول فقه.
- ۷- بحوث فی شرح العروة الوثقی که چند جلد آن چاپ شده است.
- ۸- بحثی در مورد مهدی (عج).
- ۹- بحثی در مورد ولایت.
- ۱۰- اسلام راهبر زندگی که در سال ۱۳۹۹ ه ق در شش حلقه تألیف شد.
- ۱۱- الفتاوی الواضحة که رساله عملیه است.
- ۱۲- تعلیقه بر صلاة الجمعة کتاب شرایع الاسلام که چاپ نشده است.

آثار اصولی شهید صدر

مرحوم شهید صدر چندین اثر اصولی نگاشته است که قابل توجه است:

- ۱- «غایة الفکر»: از این کتاب تنها یک جلد آن، مربوط به بحث علم اجمالی، چاپ شده است. از مقدمه کتاب بر می آید که شهید صدر قصد تألیف یک دوره اصول استدلالی را داشته که بحث علم اجمالی شماره و جزء پنجم آن سلسله بوده که وی آن را مقدم داشته است (۳۶)، اما متأسفانه ایشان موفق به ادامه آن نشده و آن را کامل نکرده است.
- ۲- «المعالم الجديدة للاصول»: این کتاب در سال ۱۳۸۵ قمری برای دانشکده اصول دین نوشته شد. کتاب مذکور شامل دو بخش است:

بخش اول در مورد تاریخ اصول و نقش آن در استنباط است. و بخش دوم، یک دوره مباحث اصول را به صورت ابتدایی و بسیط دربر دارد.

کتاب «المعالم الجديدة» از چند جهت دارای اهمیت است:

اول، به خاطر بحث تاریخ اصول که در آغاز آن آمده است. بی شک شهید صدر نخستین کسی است که تاریخ اصول شیعه را با این تفصیل نگاشته است و تمامی نوشته‌های بعدی در مورد تاریخ اصول شیعه از آن به عنوان منبع اساسی استفاده‌های بسیاری برده‌اند (۳۷).

دوم، به دلیل ساختار جدیدی که شهید صدر در تبویب مباحث اصول در این کتاب ارائه کرده است (۳۸).

سوم، به جهت آموزشی بودن کتاب. با توجه به این که کتاب‌هایی؛ مانند معالم، قوانین و رسائل آموزشی نیستند؛ لذا طلاب مبتدی در خواندن و فهمیدن کتاب‌های مذکور دچار مشکل جدی می‌شوند. از این رو ضروری است که کتاب‌هایی قوی، اما برخوردار از

ویژگی های آموزشی جایگزین آن کتابها شوند و کار شهید صدر در تألیف کتاب المعالم الجدیدة و دروس فی علم الاصول - در سه حلقه سطح بندی شده - گامی بنیادین در حلّ این مشکل و انجام این جابه جایی به شمار می رود.

۳. «دروس فی علم الاصول» که به دلیل چند حلقه بودن آن به «حلقات» مشهور است. این کتاب در سه حلقه تنظیم شده و به قصد کتاب آموزشی نگاشته شده است. از این رو کتاب مذکور دارای مزایای بسیاری جهت آموزش است. بی شک تقایمی نیز دارد، اما این کاستیها موجب کنار گذاشتن آن نمی شود، بلکه صاحب نظران می توانند با رفع آن کاستیها کتاب مذکور را به حدّ استاندارد کتاب آموزشی رسانده و مشکل دوره ی آموزشی سطح را در علم اصول به درستی رفع کنند.

این کتاب بر کتاب پیشین مرحوم صدر برتری دارد؛ زیرا هم به صورت سطح بندی شده در سه حلقه - از ساده به مشکل - تنظیم شده است و هم از مزایای آموزشی بهره های بیشتری دارد. متن این کتاب نیز چون کتاب پیشین شیرین و زیبا است.

کتاب حلقات با این که به قصد آموزشی شدن نگاشته شده است، اما چون آخرین نوشته ی اصولی مرحوم صدر است، در مواردی بیانگر آخرین دیدگاه های اصولی وی نیز می باشد، این نکته اگر چه فی نفسه تقصی برای یک کتاب آموزشی به شمار می رود، اما برای پژوهندگان در اندیشه های اصولی شهید صدر بسیار ارزشمند و مغتنم است.

نکته ی نهایی این که، تبویب ارایه شده در حلقات نیز تازه و ابتکاری است. این تبویب غیر از تبویب ابتکاری دیگر شهید صدر در کتاب معالم الجدیدة است. خلاصه ی تبویب این کتاب به صورت زیر است:

* مقدمات (تعریف، موضوع و غرض علم اصول، حکم شرعی و تقسیمات آن).

* بحث قطع به عنوان تکیه گاه همه ی بحث های اصولی.

* ادله ی محرزه:

۱- دلیل شرعی: بحث اول: تحدید دلالات دلیل شرعی: الف - دلیل شرعی لفظی (شامل بحث های وضع، معانی حرفی، حقیقت و مجاز، هیئت جمل، اوامر، نواهی، اطلاق و تقيید، عام و خاص، مفاهیم) ب - دلیل شرعی غیر لفظی (دلالت فعل و دلالت تقریر).

بحث دوم: اثبات صغرای دلیل شرعی:

- قسم اول: وسایل اثبات وجدانی:

۱- تواتر

۲- اجماع

۳- شهرت

- قسم دوم: وسایل اثبات تعبدی: (بحث حجّیت خبر واحد و میزان دایره ی حجّیت آن).

بحث سوم: حجّیت ظهور

۲- دلیل عقلی:

الف: مباحث غیر مستقلات و مستقلات عقلی.

ب - حجّیت دلیل عقلی.

* اصول عملیه:

۱- خصایص اصول عملیه و تقسیم آن به عقلی و شرعی و تنزیلی و محرزه و موارد جریان اصول عملیه.

۲- وظیفه در حالت شک (۱):

وظیفه اولیه در حالت شک: مسلک قبح عقاب بلا بیان و مسلک حق الطاعه.

وظیفه ثانویه در حالت شک: براءت شرعی و ادله آن و وظیفه در حالت علم اجمالی.

- وظیفه در حالت شک (۲):

- قاعده منجزیت علم اجمالی و مباحث مربوط به آن.

۳- استصحاب و مباحث آن.

* خاتمه: در تعارض ادله.

افزون بر آن چه شهید صدر خود در اصول نوشته است، تعدادی از شاگردان او نیز تقریر درس های اصول او را نگاشته اند که مهم ترین آنها عبارتند از:

۱- «بحوث فی علم الاصول» نگارش آیت الله سید محمود هاشمی که در هفت جلد چاپ شده است.

۲- «مباحث الاصول»: نوشته آیت الله سید کاظم حائری، این دوره اگرچه به طور کامل نگاشته شده است اما تاکنون تنها بخش دوم آن (یعنی قطع، ظن و اصول عملیه) در پنج مجلد چاپ شده است.

۳- «بحوث فی علم الاصول» نگارش شیخ حسن عبدالساتر، که تاکنون پنج جلد از آن چاپ شده است که تا آخر مباحث ضد را شامل می شود.

نگاهی به اندیشه های اصولی شهید صدر

شهید صدر، دانشمندی اصولی است که هم در ساختار این علم تحول ایجاد کرده و هم به لحاظ محتوایی نوآوری داشته است. پاره ای از مباحثی که او در علم اصول مطرح کرد تا پیش از وی در این علم مطرح نمی شده است. همچنین ایشان دیدگاه های تازه ای در پاره ای مباحث اصولی دارد که این همه او را اصولی ممتاز و برجسته ای می کند. در این جا به نمونه هایی از این اندیشه های ابتکاری اشاره می کنیم:

۱- شهید صدر با بحث در مورد ساختار اصول و بررسی کاستی های فنی ساختارهای پیشین، خود به دو تبویب ابتکاری دست یافته است که یکی بر اساس «اقسام دلیل» و دیگری بر مبنای «نوع دلیلیت» سامان یافته است (۳۹).

۲- شهید صدر در یکی دیگر از تحولات شکلی اش دست به تألیف کتاب آموزشی در اصول زد و در این راستا کتاب ارزشمند «دروس فی علم الاصول» مشهور به حلقات را - در سه حلقه ی سطح بندی شده - نگاشت.

۳- شهید صدر نخستین کسی است که بحث از «سیره» - اعم از سیره ی عقلا و متشرعه - را به تفصیل انجام داد و راه های کشف آن را بیان کرد. کاری که شهید صدر در این بحث بسیار ارزشمند انجام داد بدیع و بی مانند است (۴۰).

۴- یکی از دیدگاه های اساسی شهید صدر در اصول، نظریه «حق الطاعه» است که وی در مقابل قایلان به «قبح عقاب بلا بیان»، به معنای براءت عقلی، آن را طرح کرده است. شهید صدر که مولویت مولای حقیقی را جز مولویت موالی عرفی می بیند و تمایز اساسی

بین آن دو قابل است؛ زیرا مولویت مولای حقیقی ذاتی است، بر این باور است که دامنهی «حق الطاعة» در مولای حقیقی بسی فراختر از «حق الطاعة» در مولای عرفی است، از این رو مولای حقیقی نه تنها در تکالیف مقطوعه حق الطاعة دارد بلکه در تکالیف مشکوکه و موهومه نیز حق الطاعة دارد، لذا از دیدگاه شهید صدر احتمال تکلیف منجز است و در مرتبهی عقل، حکم بدیهی و روشن عقل عملی لزوم احتیاط در تکالیف محتمل است و قاعدهی «قیح عقاب بلا بیان عقلی» جایگاهی نداشته و از ریشه باطل است (۴۱).

۵- یکی از ابتکارات مرحوم شهید صدر حل مشکل معرفت زایی و یقین آوری استقرای از طریق حساب احتمالات است که در کتاب ارزشمند «الأسس المنطقية» ایشان آمده است. شهید صدر از این کشف در اصول نیز سود می جوید. وی برای اثبات کیفیت یقین آوری خبر متواتر، اجماع محصل و شهرت از طریق حساب احتمالات پیش می رود، حال آن که هیچ یک از محققان اصولی برای تبیین نحوهی معرفت زایی این امور از طریق استقرا وارد نشده اند (۴۲).

افزون بر آنچه گفته شد، شهید صدر در بسیاری از مسایل دیگر، دیدگاهها و راه حل های مختص به خود دارد که در این مقام، مجال پرداختن به آنها نیست (۴۳).

اصول فقه امروز و برخی نارساییها

پیشتر گفتیم که اصول امروز همان اصولی است که در مکتب شیخ انصاری پدید آمده و رشد یافته است. از این رو مباحث رایج در اصول امروز، لب اندیشه های اندیشمندان این رشته، ساختار و تبویبی که اغلب کتاب های تخصصی اصول بر اساس آن نوشته می شود و روند غالبی که در س های خارج اصول بر اساس آن پیش می رود، دقیقا همان است که با پیدایش مکتب شیخ اعظم رایج شد. با وجود این که ساختارهای متعددی در دهه های اخیر ارایه شده است، (۴۴) اما عجیب این است که غالب کتابها و در س های تخصصی در اصول فقه - حتی کتاب های تخصصی و در س های خارج خود صاحبان تبویب جدید - بر اساس تبویب کفایه ای نوشته و پیش می رود. بی تردید هر علمی در گذر زمان اگر متناسب و همراه با زمان رشد نکند، دچار کهنگی می شود. اصول فقه نیز از این قانون مستثنا نیست، از این رو نیازمند تحول اساسی و متناسب با نیازهای استنباطی امروز است. اصول امروز ما به دلایل چندی هنوز به این تحول دست نیافته است. پاره ای از عوامل و علل ضعف و کاستی در اصول فقه به شرح زیر است:

- ۱- مطرح نشدن مباحث اصولی جدید متناسب با شرایط و ضرورت های استنباطی جدید.
- ۲- عرضه ی نادرست مباحث اصولی در حوزه ها و سطح بندی نشدن صحیح کتاب های اصولی.
- ۳- نداشتن نگاه کلان به اصول فقه و انحصار آن به استنباط های فقهی.
- ۴- نداشتن تبویب و چینش مطلوب و بایسته از مباحث اصول فقه و عدم توجه جدی به مبادی گوناگون تصویری و تصدیقی عام و خاص در تبویب های مختلف از مباحث اصولی.
- ۵- مهجور ماندن اصول فقه و عدم آگاهی افراد بیرون حوزه ها از مباحث عام و سودمندی که در این علم وجود دارد، همچون بخشی از مباحث وضع و الفاظ، پاره ای از مباحث عقلی، بحث ظهورات و... که برای عده ای از اندیشمندان غیر حوزوی؛ چون فیلسوفان تحلیلی، فیلسوفان زبان و نظریه پردازان در مباحث هرمنوتیک مفید و جالب خواهد بود.

۶- نبود گفت‌وگو و تطبیق میان بحث‌های اصولی و پاره‌ای علوم همگن؛ مانند فلسفه‌ی زبان، بعضی از مباحث زبان‌شناسی و هرمنوتیک، و در نتیجه بی‌خبر ماندن اندیشمندان اصولی از پاره‌ای دیدگاه‌های جدید مطرح شده در این علوم که در مباحث اصول فقه به کار می‌آید.

نگاهی دوباره به تلاش محققان معاصر و کاستی‌های آن

همان‌طور که اشاره کردیم، محققان معاصر تلاش بسیاری برای رسیدن به اصول مطلوب کرده‌اند، اما به موفقیت کامل دست نیافته‌اند. در این قسمت با نگاهی اجمالی به نوآوری‌ها و تلاش‌های ارزنده‌ی این محققان، کاستی‌های کار آنان را مورد توجه قرار می‌دهیم.

در سال‌های اخیر، در اصول فقه هم به جهت شکلی، ساختاری و کمی تحولاتی ایجاد شد و هم به لحاظ محتوایی و کیفی.

الف: در تحوّل شکلی و ساختاری در سه جهت نوآوری‌هایی انجام گرفته است:

۱- ارایه‌ی تبویب‌های جدید: در این چند دهه تبویب‌های متعددی برای کیفیت چینش و ترتب مباحث اصول با حفظ انسجام منطقی مباحث ارایه شده است که از مهم‌ترین این تبویب‌ها، تبویب شهید صدر و تبویب محقق اصفهانی را می‌توان نام برد.

۲- تألیف کتاب‌های درسی و آموزشی: در این سال‌ها ضرورت تألیف کتب درسی مناسب، بیش از پیش احساس شده است. محققان دریافته‌اند که کتاب‌هایی مانند معالم، قوانین و رسائل با تمام ارزشمندی‌های علمی‌شان به عنوان کتاب آموزشی قابل تجویز نیستند، از این رو به نگاشتن کتاب‌های مطلوب آموزشی همت گماشتند که از مهم‌ترین این تلاش‌ها کتاب «اصول الفقه» تألیف علامه محمدرضا مظفر و «دروس فی علم الاصول» معروف به حلقات - در سه حلقه سطح بندی شده - نگارش علامه شهید سید محمد باقر صدر می‌باشند.

۳- تحولات کمی و پیرایش اصول: در دهه‌های اخیر به دلیل ضرورت‌های خاص اجتماعی، توجه به اصول کاربردی بیش از پیش شد. از این رو، حذف مباحث زاید و کم فایده و انحصار بحث‌های اصولی به مباحث مفید و کاربردی در فقه توجه عده‌ای از محققان این علم؛ مانند مرحوم بروجردی، امام خمینی و پیروانشان را به خود جلب کرد.

نقد مراحل طی شده در تحوّل شکلی

اگر چه پیمودن سه مرحله‌ی پیش گفته برای نیل به یک اصول آرمانی و مطلوب بایسته است، اما بی‌شک کافی نیست و شرایط دیگری نیز در وصول به هدف مذکور مؤثر و لازم است. افزون بر این، در همین سه مرحله نیز کار به درستی انجام نگرفته است، لذا در عمل توفیق لازم را به همراه نیاورده است؛ زیرا:

اولاً، با وجود پیشنهاد و ارایه تبویب‌های تازه‌تر در اصول، کتاب‌های قوی و تخصصی بر آن اساس نگاشته نشده است تا سبب جا افتادن آن در میان محققان اصول شود به گونه‌ای که بتواند جای تبویب کفایه‌ای را بگیرد.

ثانیاً، با وجود سعی در نوشتن کتاب‌های درسی، اشکال آموزشی نبودن کتاب‌های درسی همچنان، ولو ضعیف‌تر، باقی است؛ زیرا کتاب‌های جدید نیز مطابق با معیارهای پذیرفته شده و مطلوب در نحوه‌ی نگارش کتاب‌های درسی نیست و گاه ضعف‌های این گونه

کتابها آن قدر زیاد است که سبب می شود استادان و دانش پژوهان اصول از خواندن آنها روی گردان شده و به دامن کتابهای قدیمی تر و مرسوم گذشته پناه ببرند.

ثالثاً، اگر چه تحولات کمی و پیرایشی در مواردی لازم است، اما همیشه مفید نیست، چه نگاه کاربردی محض به یک علم درپاره ای موارد آن را از رونق می اندازد و جلوی پیشرفت های عظیم تر کیفی را می گیرد. از این رو، باید توجه داشت که در این پیرایشها مباحثی که به واسطه به تکامل علم کمک می کنند، ذبح نشده و از دست نروند. در هر حال، به نظر می رسد تحولات کمی به معنای لاغر یا چاق کردن علم فی نفسه هیچ گونه مطلوبیتی نداشته باشد و تنها زمانی باید به آن توجه کرد که به تکامل و پیشرفت کیفی علم کمک کند.

ب: تحوّل کیفی اصول و کاستی آن

نسبت به تحوّل کیفی اصول و تغییر پاره ای مبانی پیشین و ارایه ی راه کارهای تازه تر، تلاش های بسیاری از سوی محققان معاصر انجام گرفته است، که به برخی از آنها در ضمن بررسی دیدگاه های اصولی مرحوم امام، مرحوم خویی و به ویژه شهید صدر اشاره کردیم. اما به نظر می رسد که این مقدار برای ایجاد مکتبی جدید متناسب با نیازهای استنباطی زمان حاضر و نیل به اصول مطلوب کافی نباشد. حرکت مکتب ساز باید قوی تر از این باشد و بی شک به دست یک نفر به انجام نخواهد رسید و نیازمند تلاش های پی گیر و دامنه دار محققان بزرگ و نواندیش امروز است.

ضرورت نیل به اصول مطلوب، مؤلفه ها و راه های وصول به آن

در ضرورت داشتن اصولی متناسب با شرایط و نیازهای زمان جای هیچ تردیدی نیست. از این رو، گفت و گو در این مورد توضیح واضحات است. همچنین راه دستیابی به اصول مطلوب نیز با شناختن شاخصه های این اصول و برنامه ریزی عملی برای تحقق آنها خود به خود آشکار می شود. از این رو آن چه در این جا مهم است، شناخت مؤلفه ها و ویژگی های اصول مطلوب و بایسته است. اصول مطلوب امروز چه ویژگی هایی باید داشته باشد؟

در این بحث، به راحتی می توانیم از تمام آن چه در بحث نارسایی های اصول معاصر به عنوان کاستی های اصول گفته ایم سود ببریم، چه عکس و نقطه مقابل هر یک از آنها می تواند مؤلفه ای از مؤلفه های اصول مطلوب به شمار آید. بنابراین با توجه به بحث سابق، تعدادی از شاخصه های اساسی اصول مناسب امروز را بر می شماریم:

۱- اصول امروز باید نسبت به ورود مباحث اساسی جدید و نو که برای استنباط های فقهی و غیر فقهی؛ به ویژه در مباحث فقه حکومتی و نظام تربیتی و اخلاقی ضروری و مورد نیاز است، گشوده باشد. پاره ای از مباحثی که بایسته است در اصول امروز به صورت گسترده مطرح شود، عبارتند از: بحث از سیره، عرف، مذاق شریعت، مناسبت حکم و موضوع، چگونگی تأثیر دو عنصر زمان و مکان در استنباط، روش پدیدار شناسی و تأثیر آن در فهم متن، زبان دین و ...

۲- تجدید نظر و بازنگری اساسی در پاره ای از مبانی اصولی ضعیف و نامحکم؛ مانند مباحث مربوط به حکم و تبیین دقیق ماهیت آن، رابطه ی مفاد احکام تکلیفی پنج گانه با مفاد اصولی چون برائت و احتیاط، حکم واقعی و ظاهری و تبیین دقیق ارتباط آن دو، بررسی عمیق تر وظایف اولیه و عقلی در فرض شک در تکلیف و ...

۳- نگاه عمیق‌تر به مبادی تصویری و تصدیقی عام و خاص؛ اعم از مبادی لغوی، منطقی، فلسفی، کلامی و... و جستجوی مفصل‌تر برای اصطیاد تمام آنها جهت طرح در اول علم اصول.

۴- نیل به تبویبی شایسته، دقیق و منطقی برای چینش صحیح و فنی مباحث اصول با توجه به طرح مباحث تازه و بازنگری انجام گرفته در شماره‌ی مبادی تصویری و تصدیقی این علم.

۵- خارج ساختن اصول از یک علم جدلی با حذف مطالب بی پایه و بی دلیل و مدرک از آن، و رساندنش به یک علم دقیق استدلالی و فرمولی.

۶- توجه داشتن به علوم همگن در تکامل اصول. علمی؛ مانند فلسفه‌ی تحلیلی، فلسفه‌ی زبان، زبان‌شناسی و هرمنوتیک که هر یک در بخش‌هایی از اصول می‌توانند مؤثر باشند.

۷- عرضه‌ی بهینه‌ی اصول با انجام کارهای زیر:

- انتشار مجله‌های تخصصی اصول و چاپ و نشر مقاله‌های نگارش یافته در مورد موضوعات نوتر و بکر.

- تألیف کتاب‌هایی به زبان فارسی و انگلیسی (علاوه بر عربی) در اصول برای ارایه‌ی این علم به جوامع علمی دنیا، جهت استفاده‌ی محققان علوم همگن از تحقیقات ارزنده‌ی اصولیان مسلمان.

- تنظیم دایرة‌المعارفی در علم اصول.

- تألیف موسوعه‌ای عظیم در علم اصول.

- آماده ساختن نمایه‌ی کتاب‌های اصولی.

- بانک اطلاعات رایانه‌ای در علم اصول.

۸- تألیف کتاب‌های سطح بندی شده‌ی آموزشی با رعایت الگوهای مقبول آموزشی از سوی گروه‌های متخصص و خُبره.

۹- اهتمام به نگاه و پرسش‌های تاریخی در علم اصول و چگونگی و فلسفه‌ی پیدایش هر مسأله و بستر رشد آن.

اصول اهل سنت و رکود دامنه دار آن

از جمع بندی تمام آن چه در مورد اصول اهل سنت در طول ادوار مختلف گفته شد، که در واقع گفته‌های خود محققان اهل سنت است، می‌توان فهمید که این علم در اهل سنت تنها تا پنج یا شش قرن نخست رشد و تکامل داشت و به اوج نسبی رسید، اما با بسته شدن باب اجتهاد، این علم نیز خود به خود دچار رکود شد و دانش پژوهان آن تنها به فهم کلمات و دیدگاه‌های گذشتگان خویش دل خوش داشته‌اند و اگر به حدی از این علم دست می‌یافتند، کار بزرگشان شرح کتاب‌های نخستین یا تلخیص آنها، یا شرح مجدد آن تلخیص‌ها بود. جز عده‌ای محدود، همچون شهرستانی، سیوطی و شاطبی، باقی به فکر تحوّل و تأسیس مکتب‌های جدید اصولی نبودند و آن عده‌ی محدود نیز توان انجام چنین کار عظیمی را نداشتند. از این رو، اصول عامه همچنان با خاطره‌ی گذشته خوش بود و امروزه نیز کار اساسی روی آن نشده است، به همین جهت علمی پیشرفته متناسب با نیازهای زمان محسوب نمی‌شود و قابل عرضه کردن به جوامع علمی نیست و دقیقاً در نقطه‌ی مقابل اصول شیعه قرار دارد که همواره و به ویژه از بعد از محقق بهبهانی تا همین دهه‌های اخیر، در حال رشد و تکامل بوده است.

چکیده

۱. اصول فقه معاصر ما، همان اصولی است که در مکتب شیخ اعظم پدید آمده است و محققان امروزی در واقع از بهره مندان خون گسترده‌ی اصولیان پیشین به شمار می‌روند.
۲. آیت الله خویی، امام خمینی و شهید صدر، سه تن از مهم‌ترین اصولیان چند دهه‌ی اخیرند که برای تکامل و رشد اصول تلاش‌های بسیار ارزنده‌ای کرده‌اند.
۳. اصول امروز نیازمند تحوّل اساسی متناسب با نیازهای استنباطی زمان حاضر است، در غیر این صورت، برای پاسخ گویی به احتیاجات نو ظهور عقیم و ناکارآمد خواهد شد.
۴. از جمله ضعف‌های اصول امروز، مطرح نشدن مباحث اصولی تازه و ضروری، عرضه‌ی نادرست این علم و نداشتن تبویب مناسب و بایسته می‌باشد.
۵. اگر چه تلاش محققان چند دهه‌ی اخیر برای رفع کاستی‌های اصول در خور تقدیر است، اما به هیچ رو کافی نیست و نیازمند حرکت‌ها و تلاش‌های علمی بیشتری است.
۶. بی شک اصول مطلوب و بایسته‌ی امروز، اصولی است که به مباحث تازه و ضروری می‌پردازد، مبانی پیشین را مورد تقادی دقیق قرار می‌دهد، به مبادی تصویری و تصدیقی اصول توجه عمیق‌تر نشان می‌دهد، تبویب شایسته و فنی را در تنظیم و تدوین اصول نادیده نمی‌انگارد و به علوم همگن؛ مانند فلسفه‌ی تحلیلی و فلسفه‌ی زبان، هرمنوتیک و مانند آنها توجه کرده و از تحقیقات ارزشمند آنها سود می‌برد.

په نوشت:

۱. یادنامه آیت الله خویی، گروهی از نویسندگان، صص ۳۳ - ۳۲.
۲. همان، ص ۵۰.
۳. همان، ۳۳ - ۳۴ و ۵۸ - ۵۹.
۴. لیست کامل‌تر شاگردان را در «یاد نامه»، صص ۷۴ - ۷۱.
۵. نک: همان، ص ۷۹ - ۸۷.
۶. نک: همان، صص ۷۷ - ۷۵.
۷. البته مرحوم خویی افزون بر تقریر درس مرحوم نایینی، درس‌های محقق اصفهانی را نیز نگاشته است. ظاهراً ایشان رساله‌ای در «تعارض الإستصحابیین» نیز نوشته که متأسفانه این دو کتاب چاپ نشده است. (نک: یاد نامه، همان، ص ۸۷).
۸. نک: همان، ص ۴۰ و ۷۷.
۹. ملا علی نهاوندی، تشریح الاصول (چاپ سنگی)، ص ۳۰.

۱۰. ابوالمجد محمدرضا اصفهانی، وقایع الاذهان، صص ۶۵ - ۶۲.
۱۱. شیخ عبدالکریم حائری یزدی، درر الفوائد، ج ۱، ص ۳۵.
۱۲. محمد اسحاق فیاض، محاضرات فی اصول الفقه، ج ۱، صص ۴۹ - ۴۵.
۱۳. سید محمد بهسودی، مصباح الاصول، ج ۲، صص ۲۰۲ - ۲۰۱.
۱۴. همان، ج ۳، ص ۱۵۴.
۱۵. همان، صص ۳۸ - ۳۶.
۱۶. زندگی نامه و شرح حیات گهربار و اقدامات مهم امام خمینی در کتابهای بسیاری به تفصیل پرداخته رضی الله عنه شده است. که برای تحقیق در این زمینه به آن نوشته ها مراجعه کنید.
۱۷. نک: حمید انصاری، حدیث بیداری، صص ۲۴۴ - ۲۱۶.
۱۸. همان، ص ۲۲۹.
۱۹. همان.
۲۰. نک: امام خمینی، الرسائل، ج ۲، صص ۹۸ - ۹۷.
۲۱. صحیفه ی نور، ج ۲۱، ص ۴۷.
۲۲. همان، ص ۶۱ و ص ۳۴.
۲۳. همان، ص ۶۱.
۲۴. همچون آیت الله مصطفی خمینی (فرزند امام)، نک: تحریرات فی الاصول، تحقیق سیدمحمد سجادی و...، ج ۳، ص ۴۲.
۲۵. امام خمینی، مناہج الوصول، ج ۲، ص ۶۷.
۲۶. مناہج الوصول، ج ۲، صص ۲۸ - ۲۵.
۲۷. همان، صص ۲۹۰ - ۲۸۹.
۲۸. انوار الهدایه، ج ۲، صص ۴۳ - ۴۰.
۲۹. همان، صص ۲۱۸ - ۲۱۵.
۳۰. در مورد بحث «خطابهای قانونی» همچنین نگاه کنید به: مقاله ی «خطابهای قانونی در اندیشه اصولی امام خمینی»، نگاشته ابوالقاسم یعقوبی، مجله فقه، ش ۲۱ - ۲۲، صص ۲۳۲ - ۲۰۹.
۳۱. نک: سید کاظم حائری، مقدمه ی مباحث الاصول، جزء اول از قسم دوم، صص ۳۰ - ۱۶.
۳۲. همان، صص ۴۴ - ۴۲.
۳۳. نک: همان، صص ۵۵ - ۴۵.
۳۴. نک: همان، صص ۱۶۷ - ۸۷.
۳۵. همان، صص ۶۹ - ۶۷.
۳۶. این کتاب نخستین بار در سال ۱۳۷۴ قمری چاپ شده است. اخیرا کتاب حاضر از سوی کنگره بین المللی شهید صدر همراه با

«المعالم الجديدة» به عنوان مجموعه آثار شماره (۸) تحقیق و چاپ شده است.

۳۷. مانند دکتر گرجی در «تحوّل اصول» و آقای قایینی در «علم الاصول تاریخی و تطوّر» و دیگران.

۳۸. ساختار مذکور را می‌توانید در کتاب «المعالم الجديدة» و نیز «بحوث فی علم الاصول» تألیف سید محمود هاشمی: ج ۱، صص ۵۹ - ۵۷ ببینید.

۳۹. نک: سید محمود هاشمی، بحوث فی علم الاصول، ج ۱، صص ۶۱ - ۵۷.

۴۰. نک: همان، ج ۴، صص ۲۴۸ - ۲۳۳؛ و سید کاظم حائری، مباحث الاصول، جزء دوم، صص ۱۳۵ - ۹۳.

۴۱. سید کاظم حائری، همان، جزء سوم از قسم دوم، صص ۷۷ - ۵۹؛ شهید صدر، دروس فی علم الاصول (حلقه سوم)، چاپ کنگره‌ی شهید صدر، صص ۳۳۳ - ۳۳۶.

۴۲. نک: همان، جزء دوم از قسم دوم، صص ۳۳۲ - ۳۰۱؛ و همان، صص ۱۶۶ - ۱۵۱.

۴۳. برای آگاهی از اندیشه‌های اصولی شهید صدر باید به کتاب‌ها و تقریرات درس او مراجعه شود. افزون بر این می‌توانید به مباحث الاصول، جزء اول از قسم دوم، صص ۶۱ - ۵۸ مراجعه کنید.

۴۴. نک: چشم اندازی به سیر تاریخی تبویب در علم اصول، همان، صص ۳۷ - ۱۹ و صص ۴۷ - ۴۳.

*

جلد پنجم آخرین بخش از سلسله مباحث فرقه های شیعه می باشد.

امید است که این مجموعه مفید و مورد بهره مندی جنابان

و نیز

مورد تأیید و توجه حضرت دوست قرار گرفته باشد.

آرتا رحیمی

فروردین ۱۳۹۹

جهت ارتباط با نویسنده

@rahimi_arta

ایمیل

artarahimi@chmail.ir